



## گرانی پیداد می کند

بهای سیب زمینی به کیلویی ۱۵۰ تومان و تخم مرغ به ۵۵۰ تومان رسید

گرانی سرسام آور کالاهای مصرفی و مورد احتیاج در هفته های اخیر، مردم را با فشارهای کمر شکن تازه ای مواجه ساخته است. در گرانی های اخیر، افزایش بهای سیب زمینی و تخم مرغ، بیش از سایر کالاها چشم گیر بوده است و حتی به ایجاد بحران تازه ای برای دولت منجر شده است. بهای سیب زمینی به کیلویی ۱۵۰ تومان و هر شانه ۲ کیلویی تخم مرغ به ۵۲۰ تا ۵۵۰ تومان رسید. دولت پس از مدتی سکوت در برابر گرانی ها، به

بقیه در صفحه ۲



## با تصویب یک بودجه ۲۰ میلیون دلاری

### سیا، مامور

## بی ثبات کردن جمهوری اسلامی شد

- کنگره آمریکا طرح سناتور دامتو را تصویب کرد.
- وزارت امور خارجه طی نامه رسمی به پطروس غالی، خواستار بررسی اقدامات آمریکا علیه ایران در سازمان ملل متحد شد.
- رئیس مجلس شورا: جمهوری اسلامی نیز برای مقابله با اقدامات آمریکا بودجه تخصیص می دهد

کاخ سفید آمریکا سرانجام تحت فشار «نیوت گنریچ»، رئیس کنگره آمریکا، با تخصیص ۲۰ میلیون دلار برای «بی ثبات کردن» حکومت اسلامی موافقت کرد. هژمان با آن، مجلس سنای آمریکا طرح سناتور آلفانسو دامتو را مبنی بر تشدید تحریم اقتصادی ایران و مجازات شرکت های نفتی که با جمهوری اسلامی همکاری می کنند را، تصویب نمود. این طرح قبلاً به تصویب کمیسیون بانکی سنای آمریکا رسیده و دولت کلینتون نیز

گرداندگان حکومت ایران در پاسخ به اقدامات آمریکا، در کنار اعتراضات خود به سازمان های بین المللی، موج جدیدی از کینه و خصومت نسبت به دولت آمریکا به راه انداختند. ولایتی طی نامه رسمی به پطروس غالی اعلام کرد که سیاست کنونی آمریکا چیزی جز واضح ترین نمونه حمایت از تروریسم در آشکارترین و رسمی ترین شکل آن نیست. در این نامه آمده است: «اخیراً سیاست های خصومت آمیز مستمر دولت آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران شدت یافته و ابعاد خطرناک جدیدی به خود گرفته است». ولایتی نوشت اقدامات آمریکا «ناقص آشکار اصول پذیرفته شده جهانی حاکم بر روابط میان ملت ها بوده و بدعتی خطرناک همراه با پیامدهای حاد و

بقیه در صفحه ۲

## مردم ایران به «عملیات پنهانی» سیانیاز ندارند

کاخ سفید و کنگره آمریکا به توافق رسیده اند که در بودجه سیا، ۲۰ میلیون دلار برای عملیات «خنثی سازی» و بی ثبات کردن ایران در نظر گرفته شود. در شرایطی که اختلاف بر سر بودجه دولت فدرال ایالات متحده، در این کشور به شدت ترین بحران سیاسی - مالی سال های اخیر انجامیده و رئیس جمهور از حزب دمکرات و اکثریت جمهوریخواه پارلمان، یکدیگر و دولت مرکزی را فلج کرده اند، توافق پیرامون بودجه سیا برای عملیات علیه جمهوری اسلامی، نشانگر این است که از یک سو جناح ها و گرایش های سیاسی مختلف در محافل حاکم آمریکا می کوشند در مقابله با جمهوری اسلامی، اراده واحدی به نمایش بگذارند و از سوی دیگر «موضوع ایران» این بار هم یکی از مسائل عمده انتخابات آمریکا است.

حکومت جمهوری اسلامی یک عامل مخرب در جهان و به ویژه منطقه خاورمیانه و کشورهای اسلامی است و نقش عمده ای در صدور تروریسم، دامن زدن به بنیادگرایی، مخالفت با روندهای صلح و همزیستی و بی اعتنائی به قوانین و مقررات بی المللی دارد. در ایران، این رژیم، مانع اصلی بر سر راه حل بحران همه جانبه ای است که در همه عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر کشور ما حاکم شده و مردم ما را وادار به تحمل سخت ترین ایام زندگی خود در دهه های اخیر کرده است. هیچ معضل عمده ای نیست که پیشرفت در مسیر گشودن گره آن، بدون گام نهادن در راه پایان بخشیدن به حکومت جمهوری اسلامی و نشان دادن یک نظام دمکراتیک به جای آن، قابل تصور باشد. از این رو، همه نیروهای آزادیخواه ایران باید از هر کوششی در داخل و خارج از کشور که بتواند در خدمت کمک به مردم ایران برای مقابله با رژیم ولایت فقیه و استقرار دموکراسی در ایران باشد، استقبال کنند. هم از این رو سازمان ما که در راه استقرار دموکراسی مبارزه می کند و مردم ایران را به پایان دادن به این حکومت دعوت می کند، با استفاده از هر فرصتی، افکار عمومی، نیروهای سیاسی و دولت های جهان را فرا می خواند که جمهوری اسلامی را به خاطر نقض بدیهی ترین حقوق انسانی مردم ایران، محکوم کنند و از مردم ایران در مبارزه دشوار خود علیه استبداد اسلامی حمایت کنند. هر اقدام جامعه بین المللی که بتواند در پشتیبانی از حقوق بشر در ایران، مقابله با تروریسم حکومت فقیه و لجام زدن به سیاست خارجی ماجراجویانه جمهوری اسلامی مؤثر واقع شود، مورد تأیید و استقبال ما قرار گرفته و خواهد گرفت.

اما بودجه ۲۰ میلیون دلاری برای مبارزه علیه جمهوری اسلامی، به چه نیرویی و برای چه هدفی اختصاص می یابد؟ این بودجه قرار است به «عملیات پنهانی» از سوی دولتی و به نیرویی اختصاص یابد که با هیچ حد از خوش بینی، نمی توان به اهداف آن یا دیده تردید ننگریست. با توجه به سوابق دخالت های آمریکا در ایران و تاریخ روابط دو کشور، مردم ایران حق دارند که با بدگمانی به سیاست واشنگتن و عملیات پنهانی سازمان جاسوسی آن بنگرند

بقیه در صفحه ۸

## بر اساس نوشته روزنامه سلام: عوامل رژیم در سرقت ۱۵ میلیون دلاری دست داشته اند

در حالی که حکومت اسلامی به سکوت رسمی در مورد خبرهایی که پیرامون یک ماجرای سرقت ۱۵ میلیون دلاری انتشار یافته ادامه می دهد و عوامل غیررسمی آن به دروغ پراکنی در مورد شرکت سازمان ما در این سرقت احتمالی مشغولند، یک خواننده روزنامه سلام در تهران، اطلاعات تازه ای را در این مورد در اختیار این روزنامه قرار داد. سلام در شماره ۱۷ دی ماه خود، از قول یک خواننده در ستون «الو سلام» نوشت: «اشری لارکی، رئیس شعبه بانک سپه در پاریس، چند ماه پیش درخواست انتقال ۸ میلیون دلار به پاریس کرده بوده اما این دستور توسط مقامات مسئول بانک رد شده بوده است. بعدتر یکی از مسئولین بانک طی نامه ای دستور

بقیه در صفحه ۲

## داریوش فروهر و عباس امیر انتظام در تهران دیدار کردند

به گزارش خبرنگار هفته گزین حزب ملت ایران، در روز پانزدهم دی ماه، آقایان عباس امیر انتظام و داریوش فروهر با یکدیگر دیدار کرده اند. این دیدار که ۳ ساعت به طول انجامیده در خانه فروهر انجام شده و امیر انتظام از خانه اش که تحت نظر وزارت اطلاعات است، به

آیت الله آذری قمی، که تا چندی پیش از روحانیون قدرتمند جناح حاکم محسوب می شد، با انتشار یک نامه ۲۸ صفحه ای سرگشاده خطاب به محمد یزدی، رئیس قوه قضائیه و ناطق نوری، رئیس مجلس، سران رژیم و به ویژه ناطق نوری، تنها کاندیدای ریاست جمهوری آینده حکومت، را مورد ساکت هستند.

از سوی دیگر، دبیرخانه حزب ملت ایران با انتشار اطلاعیه ای به تاریخ ۱۶ دی ماه، ماجرای این سرقت را نقشه خود رژیم دانست و نوشت: «در حالیکه اختلاس میلیونها دلار از داراییهای ملت ایران در بانک سپه شعبه پاریس در محافل بانکی کشور به موضوع گفتگوها و شایعات گسترده ای بدل گشته، گزارش رسیده است

بقیه در صفحه ۲

## با انتشار یک نامه سرگشاده آیت الله آذری قمی

### سران رژیم را به شدت مورد حمله قرار داد

- آذری قمی: هر کوششی برای اصلاح امور کردیم با تهدیدات وزارت اطلاعات مواجه شدیم

حکومت سخت قرار داد و اعلام کرد که حکومت اسلامی را «تحریم» کرده است. وی در این نامه نوشت خطاب به ملت ایران اعلام می کند از عضویت در مجلس خبرگان رژیم نیز استعفا داده است. آذری قمی نوشت: ناطق نوری با مرجع کردن

بقیه در صفحه ۳

## در ایران همه از آزادی احزاب سخن می گویند، اما کدام احزاب؟

- روشنفکران و دگراندیشان: احزاب واقعی از همه اقشار مردم، بدون دخالت حکومت
- طرفداران رژیم: فقط از نیروهای وفادار به نظام و قانون اساسی
- روزنامه سلام نسبت به تشکیل یک حزب فراگیر و فرمایشی حکومتی هشدار داد.

حکومت، دگراندیشان و تعداد بسیار محدودی از افراد هوادار نظام جمهوری اسلامی، فعالیت واقعی و آزادانه احزاب را، البته به درجات گوناگون، مورد نظر دارند و هواداران فعالیت حزبی در حکومت، تنها از احزاب طرفدار حکومت و «جناح های موجود» سخن می گویند. روزنامه ایران، وابسته به

بقیه در صفحه ۴

ضرورت آغاز فعالیت دوباره حزبی در ایران، به یکی از موضوعات مورد توجه جامعه، حتی در میان مردم عادی نیز، تبدیل شده است. در ایران امروز همه از ضرورت تشکیل حزب سخن می گویند و دیگر کمتر کلامی در مذمت فعالیت حزبی، که سالیان دراز گوش مردم را به آن عادت دادند، شنیده می شود. اما چگونه حزبی؟ مخالفین

بیست و پنج سالگی  
جنبش فدایی  
لحظه تامل  
نظرسنجی از  
یاران و دوستان سازمان  
صفحه ۵

میزگرد سیاسی  
عزت الله سبحانی، پیروز دوانی  
حبیب الله پیمان، ابراهیم یزدی  
صفحه ۱۰

معناومبناوی  
سکولاریسم  
عبدالکریم سروش  
صفحه ۹

ایران به انرژی  
اتمی نیاز ندارد  
سهراب مبشری  
صفحه ۷

یادداشت

## پایان یک اتحاد نامیمون؟

از ایالت مریند آمریکا که محل مذاکرات نمایندگان سوریه و اسرائیل به میانجی‌گری آمریکا، خبر می‌رسد که دو کشور به پیشرفت‌های مهمی در جهت برقراری صلح دست یافته‌اند. گفته می‌شود اسرائیل حاضر است بلندی‌های جولان را که نزدیک به ۳۰ سال است در اشغال خود دارد، تخلیه کند و در مقابل، سوریه غیرنظامی شدن این منطقه را که بر شمال اسرائیل مشرف است، خواهد پذیرفت و به نظارت بین‌المللی بر موقعیت غیرنظامی جولان تن خواهد داد. اما این، تنها پهنایی نیست که اسرائیل از سوریه می‌خواهد. سیاست اسرائیل در قبال اعراب، "زمین در برابر صلح" است. اسرائیل، سرزمین‌های اعراب را به شرطی تخلیه می‌کند که آنها موجودیت اسرائیل را بپذیرند و حاضر شوند به اصول همجواری مسالمت‌آمیز تن دهند. در مورد سوریه، این شرط بدان معناست که حزب‌الله لبنان و فلسطینی‌های رادیکالی که مورد حمایت جمهوری اسلامی‌اند، دیگر نتوانند از سوریه و جنوب لبنان برای حمله به اسرائیل استفاده کنند. از آنجا که میدان دادن به رادیکال‌ها و حزب‌اللهی‌های عرب، مهم‌ترین امتیاز عملی است که سوریه به جمهوری اسلامی داده است، حذف این امتیاز به معنای ضربه‌ای به "روابط استراتژیک" تهران و دمشق است.

نگرانی جمهوری اسلامی که مخالف صلح در خاورمیانه است، از پیوستن سوریه به روند صلح و پایان یافتن دوران خوش حزب‌الله در جنوب لبنان، بزرگترین بحران سیاسی را بین تهران و دمشق پدید آورد. همزمان با مذاکرات اسرائیل و سوریه در آمریکا، حزب‌الله لبنان، شمال اسرائیل را مورد حملات موشکی قرار داد. بعید به نظر می‌رسد که انتخاب زمان این حملات با نظر دولت سوریه صورت گرفته باشد، چراکه اگر دمشق می‌خواست فضای حاکم بر مذاکراتش با اسرائیل تیره شود، این گفتگوها را اصلاً آغاز نمی‌کرد. شواهدی حاکی است که سوریه این ناهنجاری را از ناحیه جمهوری اسلامی می‌داند. بلافاصله پس از حملات حزب‌الله به شمال اسرائیل، دولت سوریه از ادعای کهنه امارات متحده عربی بر جزایر ایرانی خلیج فارس حمایت کرد. این موضع‌گیری، مورد انتقاد جمهوری اسلامی قرار گرفت و روابط دو دولت به بحرانی‌ترین نقطه خود رسید. سفر هیأت جمهوری اسلامی به ریاست حبیبی معاون اول فرستجانی به دمشق که قرار بود ولایتی نیز آن را همراهی کند، به تعویق افتاده است.

همکاری تهران و دمشق در ۱۵ ساله اخیر برای هر دو دولت منافی در پی داشته که کمتر در جهت اهدافی مشروع قرار گرفته است. رژیم سوریه همواره توانسته است در ازای امتیازاتی که به جمهوری اسلامی داده و حمایت لفظی و تحمل طرفداران لبنانی و فلسطینی حکومت اسلامی در قلمرو خود، به ویژه در جنوب لبنان، باج فراوانی از تهران بگیرد که گاه تا حد تحویل رایگان نفت نیز پیش رفت. تهران نیز از تسهیلات سوریه و میدان‌داری حزب‌الله در جنوب لبنان، برای پیشبرد سیاست تروستی خود و صدور بنیادگرایی اسلامی، بهره بسیار گرفت. از این مناسبات و معاملات، هر دو رژیم سودها بردند، حافظ اسد رژیم و او از رابطه با جمهوری اسلامی، حتی در مذاکرات با آمریکا و اسرائیل نیز استفاده کرده و اکنون در گفتگوهای که بین اسرائیل و سوریه در جریان است، یکی از اهداف اسرائیل، حذف امکانات حزب‌الله لبنانی متمایل به تهران در سوریه و جنوب لبنان است که تحت نفوذ سوریه قرار دارد.

بازی سیاسی دمشق و تهران اکنون به مرحله تعیین‌کننده رسیده است. هنگامی که روند اخیر صلح در خاورمیانه آغاز شد، قابل پیش‌بینی بود که بالاخره زمانی خواهد رسید که حافظ اسد ناچار خواهد شد از میان دولت "برادر" جمهوری اسلامی و یا پیوستن به روند صلح، یکی را انتخاب کند. هیچ‌گاه نیز تردیدی وجود نداشت که این انتخاب، علیه جمهوری اسلامی صورت خواهد گرفت. هیچ ایرانی صلح‌دوست و میهن‌دوستی، نه تنها از این انتخاب متأسف نیست بلکه از آن استقبال نیز می‌کند. اتحاد تهران و دمشق چیزی در خود نداشت که بتوان از برهم خوردن آن متأسف شد. پیوستن سوریه به روند صلح خاورمیانه می‌تواند این روند را شتاب بخشد و امکانات مخالفین افراطی را در هر دو سو، تضعیف کند. اما سوریه حق ندارد که منافع ملی کشور ما را به بازی بگیرد و وجه‌المصلحت بازی‌های سیاسی خود چه با تهران و چه با تل‌آویو و واشنگتن قرار دهد. حافظ اسد در باج‌گیری مهارتی فراوان دارد. باج‌خواهی‌های او از حکومت اسلامی، چه آن زمان که نفت رایگان ایران به سوی سوریه روان بود و چه اکنون که از ادعاهای نامشروع علیه یک پارچگی ایران دفاع می‌کند، از جیب مردم ایران پرداخته شده و می‌شود و بسیار طبیعی است که هیچ ایرانی این را بر حکومت سوریه نبخشد. نه مخالفت با حکومت اسلامی و نه استقبال از پیوستن سوریه به روند صلح، هیچ کدام دلیلی بر این نیست که ایرانیان به دمشق اجازه دهند از ادعاهایی پشتیبانی کنند که علیه منافع کشور ماست.

## گرانی بی داد می‌کند

بقیه از صفحه اول

بخش کوچکی از شکایات و اعتراضات مردم منتشر شد و گوشه‌ای از مشکلاتی را نشان داد که در هفته‌های اخیر بر مشکلات مردم افزوده شده است. یک شهروند تهرانی با فرستادن پیامی به روزنامه سلام، وضع خود را، که وضع اکثر مردم ایران است، چنین تشریح کرد: «پانزده هزار و هفتصد تومان می‌گیرم. در حالی که ۷ هزار تومان کرایه یک اتاق و ۱۵۰۰ تومان آب و برق می‌دهم و یک محصل هم داریم، اگر هر وعده در روز هر کدام فقط نصف تخم‌مرغ آب‌پز بخوریم، می‌شود ۲۴۵۰ تومان و برای بقیه، مخارج فقط ۸۵۰ تومان باقی می‌ماند. به خدا قسم گرانی در مملکت بیداد می‌کند».

این گونه شکایات در حکومت اسلامی، دولتمردی را به فکر و نسیب‌داری، آن‌ها به طور خستگی‌ناپذیری از «پیشرفت‌ها» «افزایش تولید» سخن می‌گویند.

ناطق نوری خطاب به معترضین داخلی رژیم:

## شرکت کنید تا تنور انتخابات گرم شود

مجمع روحانیون مبارز، رسماً اعلام کرد که کاندیدا برای انتخابات آینده معرفی نخواهد کرد علیرغم همه تلاش‌های جناح رسالت برای تقویت اکثریت خود در مجلس آینده، برخی پیش‌بینی‌ها حاکی از تضعیف موقعیت این جناح در مجلس آتی است

تقویت خواهد شد ولی میدان‌دار اصلی مجلس آینده، جناح میانه خواهد بود. به گفته وی، در مجلس فعلی ۱۱۰ تن از نمایندگان دارای گرایش راست، ۴۰ تن دارای گرایش میانه و ۳۵ تن دارای گرایش چپ هستند و بقیه نیز در عمل تابع اکثریت می‌شوند. نماینده رشت، جناح میانه را کسانی دانست که اولویت را به بخش صنعت و استفاده از منابع خارجی می‌دهند و توسعه را ارجحتر از عدالت می‌دانند.

عطاءالله مهاجرانی، معاون رئیس جمهور و یکی از چهره‌های برجسته «جناح میانه»، خلاف اظهارات فوق، آینده روشنی را برای این جناح که آن را «جناح مستقل» نامید، پیش‌بینی نکرد و گفت: «گرایش اخیر به علت عدم سازماندهی، نمی‌تواند چندان تأثیرگذار باشد و به علت عدم شناخت مردم از آنها، شانسی برای در دست گرفتن مجلس آینده ندارد». مهدی کروبی در مورد ترکیب مجلس آینده به خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت: به نظر من مجلس پنجم، نسبت به دوره قبل قدری تعدیل شده و از حالت یک دست بودن خارج خواهد شد. این احتمال نیز وجود دارد که افرادی به مجلس راه یابند که به هیچ‌یک از جناح‌های موجود وابسته نباشند.

میدان را به آسانی تسلیم رسالتی‌ها کند و به کرسیهای بیشتری برای طرفداران خود در مجلس آتی نظر دارد. هر چند این دفتر هنوز هیچ اقدام مشخصی به عمل نیاورده است، اما تشکیل آن فسی‌نفسه هشدار است به یک‌تازی‌های رقیب.

در مورد نتیجه انتخابات و ترکیب مجلس پنجم پیش‌بینی‌های مختلفی وجود دارد. حسن روحانی، نایب رئیس اول مجلس و دبیر شورای امنیت کشور در این زمینه به خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت:

به احتمال قوی جناح حاکم فعلی در مجلس پنجم اکثریت را به دست بگیرد، اما این اکثریت نسبت به مجلس چهارم شکننده شود. وی افزود: من معتقدم که جناح میانه نسبت به مجلس چهارم تعداد بیشتری از کرسیها را تصاحب خواهد کرد. در حکومت اسلامی «جناح میانه» یا تکنوکرات‌ها، به کسانی که بیشتر به فرسنگانی تمایل دارند، گفته می‌شود.

الیاس حضرتی نماینده رشت که به جناح روحانیون مبارز تعلق دارد پیش‌بینی کرد «جناح میانه» در مجلس آتی اکثریت خواهد یافت. وی گفت: جناح راست که هم اکنون اکثریت کرسیهای پارلمان را در دست دارد، تضعیف و جناح چپ به طور نسبی

خبرگزاری جمهوری اسلامی، شایعه خودداری این مجمع از معرفی کاندیدا را رسماً تایید نمود و اعلام کرد: «مجمع روحانیون مبارز، هیچ کاندیدی برای انتخابات مجلس پنجم معرفی نخواهد کرد». وی خواهان تشکیل احزاب سیاسی قدرتمند شد تا بتوانند مانع بروز تخلفات شوند. کروبی، در عین حال گفت: «شرکت در انتخابات و ترغیب مردم برای حضور فعال در آن، همواره مورد تاسف روحانیون مبارز و همفکران آن بوده است».

سازمان سجادین انقلاب اسلامی، به عنوان یکی دیگر از جریان‌های عمده جناح مخالف، هنوز تصمیمی برای شرکت در انتخابات اعلام نکرده و در پهنای انتخاباتی خود گفته است که اگر روند فعلی ادامه یابد، این سازمان نیز در انتخابات شرکت نخواهد کرد.

علیرغم انحصارطلبی‌های جناح حاکم و امتناع مخالفین عمده آن از شرکت فعال در انتخابات، هنوز هیچ‌کدام از جناح‌های موجود، از نتیجه انتخابات ناامید نیستند. تشکیل دفتر ویژه بازرسی ریاست جمهوری در مجمع روحانیون مبارز، انتخابات، از سوی فرسنگانی، نشانهگر آن است که وی نسبی خواهد

نزدیک شدن زمان برگزاری انتخابات مجلس پنجم در اسفند ماه آینده، جناح رسالت و بازار، که از طریق ارگانهای کنترل‌کننده خود، سرنوشت انتخابات را به دست گرفته اند، می‌کوشند جناح‌های ناراضی حکومتی را به «شرکت فعالانه» در انتخابات ترغیب کنند. تا بلکه عمده‌ی بیشتری را به پای صندوق‌های رای بکشاند. ناطق نوری، رئیس مجلس و چهره اصلی جناح مذکور، بار دیگر «خاضعانه از همه گروهها» خواست که در انتخابات شرکت کنند. وی که در جمع گروهی از روحانیون سخنرانی می‌کرد، گفت: برای جلب مردم به شرکت در انتخابات، باید در آنها انگیزه ایجاد نمود و جو انتخابات را گرم کرد. وی یکی از راه‌های گرم کردن جو انتخابات را شرکت همه گروهها و افرادی دانست که می‌توانند کاندید شوند و کاندیدا معرفی کنند.

علیرغم این درخواست «خاضعانه»، اعتراض به اقدامات ضد دموکراتیک و انحصارطلبانه باند رسالت و بازار از سوی محافل و جناح‌های ناراضی حکومت ادامه یافته است. مهدی کروبی، که عملاً رهبری مجمع روحانیون مبارز، عمده‌ترین ستیف مخالف جناح حاکم را در دست دارد، در مصاحبه با

بهترین فیلم خارجی شرکت نخواهد کرد.

تصمیمات اخیر کنگره آمریکا، عکس‌العمل و اظهارنظرهایی در خارج از ایران نیز بنیان‌بخش، به نوشته مطبوعه کشور ۲۱ تن از نمایندگان مجلس سنای پاکستان در اعتراض به اقدامات واشنگتن، خواستار تعلیق عضویت آمریکا در سازمان ملل شدند. روزنامه «نیوز» چاپ پاکستان نوشت که طرح واشنگتن در کشورهای اسلامی آشوب بیا خواهد کرد. رادیسو مسکو گفت که بسیاری از ناظران نسبت به شریخش بودن مجازات‌های آمریکا در مورد ایران با شک و تردید می‌نگرند. سخنگوی وزارت خارجه چین نیز سیاست تحریم آمریکا را بی‌نتیجه خواند و گفت که هدف واشنگتن از تحریم اقتصادی ایران در واقع تهدید کشورهای در حال توسعه و استیلاجویی بر منطقه است. مجموعه گفته‌های سران رژیم و نوشته‌های روزنامه‌های وابسته به حکومت، تماماً شعار و تبلیغات علیه آمریکا است. آنچه در این گفته‌ها و نوشته‌ها مشاهده نمی‌شود، اظهار نظر در مورد پیامدهای سنگین تحریم کامل اقتصادی ایران بر اقتصاد کشور و زندگی مردم است. در بین واکنش‌های سران رژیم هیچ نشانه‌ای دیده نمی‌شود که تهران تحت فشارهای آمریکا بخواهد دست از سیاستهای صدور انقلاب اسلامی، تروریسم، مخالفت با روند صلح خاورمیانه و دستیابی به تکنولوژی آتی بردارد.

## سیا، مامور بی ثبات کردن...

بقیه از صفحه اول  
غیرقابل پیش‌بینی که مصل اساس و قواعد حقوق و امنیت و صلح بین‌المللی است را ایجاب می‌کند. ولایتی خواسته است که سازمان ملل متحد بررسی جدی و فوری این اقدامات در دستور کار خود قرار دهد و واکنش مقتضی در مقابل این اقدامات نشان دهد.

علی خامنه‌ای رهبر حکومت، شدیدترین عکس‌العمل را نشان داد و گفت اتحاد نامقدس آمریکا و اسرائیل نمی‌تواند هیچ‌کدام از ملت مقتدر و نظام اسلامی ایران برساند. ناطق نوری خواستار اختصاص بودجه ویژه برای مقابله با دخالت‌های آمریکا در ایران و کشورهای اسلامی شد و اظهار داشت که: «تصمیمات آمریکا کمترین تأثیری بر اراده و تصمیم‌گیری ملت ایران نمی‌گذارد». رئیس مجلس از سکوت دبیر کل سازمان ملل متحد در خصوص تصمیم اخیر آمریکا علیه حکومت اسلامی ایران تاسف کرد. ۱۸۰ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز ضمن انتقاد شدید از سیاست‌های آمریکا علیه حکومت اسلامی، خواستار جایگزینی تکنولوژی غیرامریکایی در صنایع کشور شدند.

## به جرم جاسوسی برای آمریکا ۵ نفر به اعدام محکوم شدند

به نوشته روزنامه کیهان، حکم اعدام ۵ نفر به اتهام جاسوسی برای آمریکا، از سوی دیوان عالی کشور مورد تایید قرار گرفته است. از این عده طی روزهای آتی ۳ نفر در تهران و ۲ نفر در کرمانشاه به دار آویخته

بقیه از صفحه اول  
تقویت خواهد شد ولی میدان‌دار اصلی مجلس آینده، جناح میانه خواهد بود. به گفته وی، در مجلس فعلی ۱۱۰ تن از نمایندگان دارای گرایش راست، ۴۰ تن دارای گرایش میانه و ۳۵ تن دارای گرایش چپ هستند و بقیه نیز در عمل تابع اکثریت می‌شوند. نماینده رشت، جناح میانه را کسانی دانست که اولویت را به بخش صنعت و استفاده از منابع خارجی می‌دهند و توسعه را ارجحتر از عدالت می‌دانند.

عطاءالله مهاجرانی، معاون رئیس جمهور و یکی از چهره‌های برجسته «جناح میانه»، خلاف اظهارات فوق، آینده روشنی را برای این جناح که آن را «جناح مستقل» نامید، پیش‌بینی نکرد و گفت: «گرایش اخیر به علت عدم سازماندهی، نمی‌تواند چندان تأثیرگذار باشد و به علت عدم شناخت مردم از آنها، شانسی برای در دست گرفتن مجلس آینده ندارد». مهدی کروبی در مورد ترکیب مجلس آینده به خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت: به نظر من مجلس پنجم، نسبت به دوره قبل قدری تعدیل شده و از حالت یک دست بودن خارج خواهد شد. این احتمال نیز وجود دارد که افرادی به مجلس راه یابند که به هیچ‌یک از جناح‌های موجود وابسته نباشند.

میدان را به آسانی تسلیم رسالتی‌ها کند و به کرسیهای بیشتری برای طرفداران خود در مجلس آتی نظر دارد. هر چند این دفتر هنوز هیچ اقدام مشخصی به عمل نیاورده است، اما تشکیل آن فسی‌نفسه هشدار است به یک‌تازی‌های رقیب.

در مورد نتیجه انتخابات و ترکیب مجلس پنجم پیش‌بینی‌های مختلفی وجود دارد. حسن روحانی، نایب رئیس اول مجلس و دبیر شورای امنیت کشور در این زمینه به خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت:

به احتمال قوی جناح حاکم فعلی در مجلس پنجم اکثریت را به دست بگیرد، اما این اکثریت نسبت به مجلس چهارم شکننده شود. وی افزود: من معتقدم که جناح میانه نسبت به مجلس چهارم تعداد بیشتری از کرسیها را تصاحب خواهد کرد. در حکومت اسلامی «جناح میانه» یا تکنوکرات‌ها، به کسانی که بیشتر به فرسنگانی تمایل دارند، گفته می‌شود.

الیاس حضرتی نماینده رشت که به جناح روحانیون مبارز تعلق دارد پیش‌بینی کرد «جناح میانه» در مجلس آتی اکثریت خواهد یافت. وی گفت: جناح راست که هم اکنون اکثریت کرسیهای پارلمان را در دست دارد، تضعیف و جناح چپ به طور نسبی

## عوامل رژیم در سرقت ۱۵ میلیون...

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران نیز با انتشار اطلاعاتی در مورد ادعاهای «زهری» نوشت: «۱- باند زهری مدهاست که خصلت و اهداف سیاسی نداشته و با نفع پرستیهای شخصی و به قصد مال اندوزی به انواع و اقسام فعالیت‌های تجاری - مافیایی مشغول بوده است. استفاده این باند از نام و ارم سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، صرفاً پوششی است عوامفریبانه برای پرده پوشی اینگونه اقدامات که اختلاس از بانک سپه یک نمونه از آنهاست.

۲- ادعای باند نامبرده مبنی بر پیوستن رئیس بانک سپه به اصطلاح «سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران» اقدام شایعانه دیگری است که هدفی جز پرده پوشی عوامل این اختلاس را، تحت عنوان فعالیت سیاسی، دنبال نمی‌نماید.

۳- ما از تمامی نیروهای آزادخواه، دموکرات و ترقیخواه بویژه جریانهای مختلف فدایی می‌خواهیم با اعلام موضع صریح در این باره در جهت روشن شدن افکار عمومی و افشای طرف سوءاستفاده‌های سیاسی و شارلاتانیم این باند که به جنبش ترقیخواهانه، بویژه نیروهای چپ لطمه می‌زند، اقدام نمایند.»

## کیهان هوایی همچنان دروغ می‌گوید

علیرغم تکذیب دروغ‌های کیهان هوایی در باره شرکت فدائیان خلق (اکثریت) در سرقت «۱۵ میلیون دلاری» از سوی سازمان ما، این نشریه در شماره ۱۳ دی ماه خود مجدداً اتهامات دروغین علیه فدائیان (اکثریت) را تکرار کرد و نوشت: «یک عضو گروهک ضد انقلابی فدائیان خلق (اکثریت) رسماً اعتراف کرد که این گروهک از تعدادی شعب بانکهای ایرانی در خارج و از جمله در پاریس مقادیر قابل توجهی ارز اختلاس کرده است».

انتساب این سرقت و وارد آوردن اتهامات نظیر به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در کنار دیگر اقدامات تهدیدآمیزی که از سوی وزارت اطلاعات رژیم علیه سازمان ما در جریان است، همانگونه که در اطلاعیه شورای مرکزی سازمان ۲۵ آذر ماه گذشته نیز ذکر شد، نشان از زمینه‌چینی، توطئه و پرونده‌سازی علیه فدائیان خلق (اکثریت) است که نشریه کیهان هوایی نیز در کار دامن زدن به آن است. ما بار دیگر نسبت به خطر سوءاستفاده ارگانهای اطلاعاتی و تبلیغی رژیم در این زمینه هشدار می‌دهیم.



## زندگی در تهران روز بروز خطرناک تر می شود میزان آلودگی هوای تهران فراتر از حدود بحرانی

هفته گذشته آلودگی هوای تهران بار دیگر از حدود بحرانی خطر آفرین برای جان انسان فراتر رفت. موضوع آلودگی فزاینده هوای تهران تازه نیست و سالهاست که این شهر بزرگ با جمعیت رو به افزایش خود با این مشکل دست به گریبان است. اما در چند سال اخیر میزان آلودگی با گذشتن از مقادیر بحرانی به حدی می رسد که جان ساکنان شهر تهران را تهدید می کند. امری که سکوت سنگین مقامات را در این باب به ناچار می شکند و آنان را به دادن هشدار وامی دارد. رئیس سازمان ترافیک تهران هفته گذشته ضمن اعلام اینکه «در روزهای اخیر هوای پایتخت بسیار آلوده شده است و برای تنفس شهروندان خصوصاً کودکان، بیماران و سالخوردهگان خطرناک شده است» از مردم خواست که کمتر با اتومبیل در خیابانها رفت و آمد کنند و سازمان ترافیک، خود از صدور مجوز روزانه برای ورود اتومبیلها به محدوده ترافیک خودداری کرد. وزارت ارشاد رژیم نیز از هنرمندان دعوت

کرد که با ارائه آثار هنری مردم را به مبارزه با آلودگی هوا تشویق کنند. تعدادی از مردم ساکن تهران از طریق روزنامهها خواستار طولانی کردن تعطیلات عمومی و بسته شدن مدارس شدند. اخبار رسیده حاکی است که دودی غلیظ تر از پیش تهران بزرگ را پوشانده و ستارگان آسمان در شبها دیده نمی شود.

به این ترتیب شهر تهران بار دیگر در میان آلودهترین شهرهای کره زمین رتبه دوم را دارد. رقیبان تهران در این عرصه در میان کشورهای جهان سوم کم نیستند. شهرهایی چون مکزیکو، پکن و جاکارتا در مسابقه ای سرگزا برای ساکنان خود، پا به پای تهرانی پیش می روند. اما حداقل آلودگی هوای این شهرها در اکثر قریب به اتفاق موارد، تاوان توسعه شتابان و گاه لجام گسیخته و بی برنامه کشورهای است که آن شهرها در آنان واقع اند. ولی مردم محروم ما به ازای آلودگی ناخواسته هوا و خطر مرگ زودرس ناشی از آن چه بدست می آورند؟

## توسط عطاءالله مهاجرانی، هفته نامه «بهمن» انتشار یافت جناح رفسنجانی صاحب یک نشریه دیگر شد

جدا گرفتن اهرم مطبوعات و اتکاء به آن برای تبیین نقطه نظرات خویش، ظرف یکی دو سال گذشته از رویکردها و اقدامات بارز جناح رفسنجانی بوده است. با متزلزل شدن اتحاد رفسنجانی با جناح رسالت که در انتخابات مجلس چهارم به حذف جناح موسوم به خط امام انجامید، وی به تدریج در صدد کاهش اتکای خود به جناح رسالت و مطرح کردن خود به عنوان یک جناح مستقل بر آمد، چنانچه که ظاهراً بخشی از طراحان و هواداران برنامه های پنجساله اول و دوم توسعه، از نیروهای اصلی آن هستند. روزنامه اطلاعات از دیرباز همراه و همگام این جناح بوده است و در دو سال گذشته نیز روزنامه های ایران و اخبار برای تقویت هرچه بیشتر دیدگاههای این جناح شروع به انتشار

کرده اند. روز شنبه گذشته نشریه دیگری به نام بهمین نیز به شمار این نشریات پیوست. صاحب امتیاز بهمین عطاءالله مهاجرانی از نزدیکان سرشناس رفسنجانی و معاون پارلمانی وی می باشد. هم او بود که دوبار پیشنهاد تغییر قانون اساسی را برای امکان انتخاب مجدد رفسنجانی به میان کشید که مقبول جناح رسالت و دیگر محافل درون رژیم نیفتاد. بهمین که هنگام انتشار می باید در شماره نخست خود اعلام کرده است که می خواهد مدافع آزادی بیان، فضای باز سیاسی و طرح نظرات متفاوت برای «بازسازی ایران اسلامی» باشد. انتشار بهمین با نزدیک شدن انتخابات مجلس پنجم و بالاگرفتن کشاکش میان جناحهای مختلف حکومت اسلامی بی ارتباط نیست.

## به دنبال حمایت دمشق از ادعاهای ارضی امارات و ناخرسندی تهران از مذاکرات صلح روابط سوریه و جمهوری اسلامی بحرانی شد

وزیر امور خارجه در این زمینه اظهار داشت: رژیم صهیونیستی در پی هدف شوم خود برای تسلط بر مقدرات کشورهای عربی اسلامی رد پایش در دامن زدن به کلیه اختلافات ارضی در منطقه دیده می شود.

نشریات مختلف جمهوری اسلامی در مقالات خود حملات تندی به سوریه کردند و نوشتند سوریه در دام اسرائیل سقوط کرده به یک آلت دست آمریکا و اسرائیل به منظور مبارزه با جمهوری اسلامی تبدیل شده است. کیهان نوشت سوریه تصمیم گرفته است بجای اینکه بخشی از راه حل باشد به بخشی از مشکل تبدیل شود. سوریه در نوشته های روزنامه های تهران به «حق ناشناسی» و فراموش کردن خوبی های دوستان قدیمی و حمایت های سیاسی بین المللی آنها از این کشور و نادیده

گرفتن نفت رایگان و ارزان دریافتی از جمهوری اسلامی متهم شد. روز یکشنبه ۱۰ دی اعلام شد که سفر حسن حبیبی معاون اول رئیس جمهوری به دمشق لغو شده است.

بنابر گزارش خبرگزاری فرانسه قرار بود حسن حبیبی به همراهی ولایتی روز سه شنبه ۱۲ دی ماه برای شرکت در اجلاس کمیته مشترک همکاری میان سوریه و ایران عازم دمشق شوند. علت تعویق سفر مزبور، اعتراض نسبت به بیانیه پایانی اجلاس گروه (۶+۲) در دمشق اعلام شده است. قرار بوده است در سفر دکتر حبیبی مسائل مربوط به صلح سوریه و اسرائیل و آینده حزب الله مورد گفتگو قرار گیرد.

همزمان با تشدید حملات تهران به دولت سوریه با ارسال پیام آشتی جوانانه ای، روابط استراتژیک با دولت تهران را مورد تاکید قرار داد.

## مجاهدین انقلاب اسلامی

### ائتلاف با سایر جناح های رژیم را رد کردند

کردن راه ائتلاف آنان در بر نخواهد داشت. بنظر نویسندگان اعلامیه، نیروی «چپ جدید» هرگز در ائتلافی که منافع و موقعیت راست سنتی را هدف گرفته باشد مشارکت نخواهد جست زیرا که به «راست مدرن» به مثابه خطر اصلی برای نظام اسلامی می نگرد و چنانچه خواهان یک سیاست ائتلافی با نیروی «چپ» باشد، به چیزی کمتر از چپه ضد لیبرالی-تکنوکرات، که از نظر آنان «راست مدرن» نمایندگی آن را بر عهده دارد، رضایت نخواهد داد. این سازمان در مورد جریان چپ اسلامی معتقد است که: با نظر به وضع طیف چپ و ضعفها و نارسایی های موجود در آن، فقدان سازمان فراگیر و تشکیل یابی منسجم و عدم برنامه واحد، هرگونه ائتلاف با یکی از نیروهای «راست مدرن» یا «چپ

جدید» این طیف را در درون خود آسیب پذیر ساخته و آن را با خطر تفرقه و شقاق مواجه خواهد کرد و راه انجام و هویت یابی فراگیر آن را ناسازگار، پرستگلاخ و مسدود میسازد. این سازمان نوشته است تا نیروی «راست مدرن» بی توجهی خود به عدالت طلبی و نیروی «چپ جدید» دشمنی خود با آزادی خواهی را کنار نگذارد، چپ اسلامی نمی تواند با آنها ائتلاف کند. مجاهدین انقلاب اسلامی در این بیانیه وظایف خود را در جریان پنجمین دوره انتخابات بصورت زیر فرمول بندی کرده است:

مشارکت فعال و مستقل جریان «چپ» و اعلام مواضع ویژه خویش در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و کسب هویت و جایگاه مشخص در جامعه و میان مردم.

## آیت الله آذری قمی سران رژیم را به شدت مورد...

باعث تضعیف روحانیت دانست. بر پایه برخی از گزارشها، به دنبال انتشار این نامه، شب شنبه هفته گذشته، مأمورین وزارت اطلاعات به خانه آذری قمی ریخته و کتابها و اسناد وی را مصادره کرده و خود وی را در خانه اش زندانی کرده اند.

آیت الله آذری قمی تا چندین پیش از عناصر قدرتمند رژیم به شمار می رفت. او پیش از انقلاب از مدرسین حوزه علمیه قم بود. در اوایل انقلاب دادستان انقلاب شد و مدتی حاکم شرع دادگاه ویژه روحانیت بود. وی دو دوره نماینده مجلس، عضو مجلس خبرگان و سردبیر روزنامه رسالت نیز بوده است. مدتی پیش او را عملاً از این روزنامه نیز کنار گذاشتند. آذری قمی پیش از انتشار نامه سرگشاده اخیر خود، با صدور بیانیه ای ناطق نوری را به دلیل اظهاراتش در مورد سلمان رشدی مورد انتقادهای تند قرار داده بود.

امام زمان می دانیم. آذری قمی، ضمن اعلام استعفا خویش از مجلس خبرگان نوشت هر گونه فعالیت در مجلس و دولت و نهادهای جمهوری اسلامی را تحریم کرده است. وی خاطر نشان کرد که ۱۶ سال برای «بهبود امور» کوشید اما همواره با تهدیدات وزارت اطلاعات مواجه شد. آذری قمی در این نامه افزود که خامنه ای و رفسنجانی نظرات کسانی مانند او و آیت الله مهدوی کنی را همواره با دیده تحقیر نگریسته اند و به آنها توجهی نکرده اند. آذری قمی تأیید کرد که وزارت اطلاعات مانع انتشار کتابها و رساله های او شده است. آذری قمی در این نامه حملات تندی نیز به مسئولین دفتر خامنه ای کرده است و با اشاره به شورش مردم اسلام شهر به خاطر آب آشامیدنی، نوشته است که سران رژیم به جای حل مسائل مردم «نمک بر زخم آنها» پاشیده اند. آذری قمی، دولت و نمایندگان «بله قربان گوی» مجلس را

بقیه از صفحه اول  
او «دوستی خاله خرسه» می کند و می خواهد وی را بی حیثیت کند، زیرا می داند وی چنین صلاحیتی ندارد. آذری قمی نوشت: محمد مؤمن، لنگرانی، یوسف صانعی، که همه از مراجع جا افتاده حوزه علمیه هستند، معتقدند که خمینی با پیشنهاد تغییر قانون اساسی، ضرورت مرجعیت رهبر حکومت اسلامی را ملغی کرد. به گفته آذری قمی، خمینی می دانست که بعد از او رهبر حکومت نمی تواند لزوماً مثل خود او صلاحیت مرجعیت را نیز دارا باشد. آذری قمی در این نامه بار دیگر تأکید کرد که رهبری خامنه ای را می پذیرد اما او از نظر مذهبی باید تحت فرمان مراجع صالح باشد و حق صدور فتوا ندارد. او خاطر نشان ساخت: من بارها بر سر این نکته بحث کرده ام که شخصاً، اجتهاد و تقلیداً ولایت مقام رهبری را قبول ندارم ولی تابع قانون می باشم و عملاً تبعیت می کنم و رهبر را امروز حقاً نایب امام

## عفو بین الملل: بر سر پری طلایی چه آمده است؟

سازمان عفو بین الملل هرامه مستی حاوی نام و سرنوشت تعدادی از زندانیان سیاسی در جهان منتشر می کند و از اعضای خود و همه کسانی که برای حقوق بشر و رعایت آن در سطح جهان اهمیت قائلند می خواهد که با ارسال نامه و فاکس برای دولت ها، خواهان آزادی زندانیان نامبرده و پایان دادن به نقض حقوق بشر در کشور آنها شوند. در متنی که عفو بین الملل در دسامبر سال ۹۵ انتشار داده است از جمله نام پری طلایی دیده می شود که در سال ۱۹۹۰ در تهران ناپدید شده است. عفو بین الملل دربارۀ وی می نویسد: «پری طلایی که ۶۶ سال دارد و صادر شش فرزند می باشد از روز ۲۸ ژانویه ۱۹۹۰ ناپدید شده و درباره سرنوشت وی اطلاعی در دست نیست. براساس خبرهایی که به عفو بین الملل رسیده است، وی در روز مذکور عازم خانه بوده و همزمان در همان حوالی نیز تظاهراتی ضد دولتی جریان داشته است. پری طلایی به رغم عدم شرکت در تظاهرات همراه با عده ای از تظاهرکنندگان دستگیر می شود. تلاش های خانواده وی برای شناسایی محل حبس وی تاکنون به نتیجه مشخصی نرسیده است. خبرهای غیر موثق حاکی از آن است که وی در زندان قصر تهران به سر می برد طلایی از بیماری کلیه رنج می برد و نیاز مند مراقبت های پزشکی است.»

عفو بین الملل از خوانندگان گزارش دسامبر خود می خواهد که به آدرس دفتر هاشمی رفسنجانی (تهران - بلوار فلسطین - خیابان آذربایجان) نامه بنویسند و درباره محل اقامت پری طلایی، وضعیت وی، اتهاماتی که به او نسبت داده شده و احکام احتمالی دادگاه دربارۀ وی توضیح بخواهند. بخواهند که با وی رفتاری انسانی در پیش گرفته شود و امکان یابد که با خانواده اش تماس برقرار کند. عفو بین الملل خواسته است که رونوشتی از این نامه نیز به سفارت جمهوری اسلامی ارسال شود.

## قرارداد همکاری روسیه و ایران

هفته گذشته در تهران قرارداد همکاری همه جانبه ۱۰ ساله بین ایران و روسیه بسته شد. این همکاری زمینه های مختلف از جمله نظامی، نفت و پولی را دربرمی گیرد. داویدسوف نماینده وزارت خارجه روسیه در تهران خاطر نشان کرد که «روسیه برای همکاری استراتژیک خود با ایران اهمیت زیادی قایل است و به هیچ کشور سومی اجازه دخالت در این زمینه را نمی دهد». این قرارداد در آینده نزدیک به امضای هاشمی رفسنجانی و پلتسین خواهد رسید.

## بحران شدید مالی

### خریدهای تسلیحاتی رژیم را نیز با مشکل مواجه کرده است

مسئله جمهوری اسلامی بدون استفاده از نیروهای خارجی، دستگاههای نظامی و سلاح های رزمی را مطابق با روز تجهیز می کنند. محسن رضایی همچنین اظهار داشت که تانک مدرنیزه شده «تی ۷۴» تحت عنوان «سفیر ۷۴» در ایران ساخته شده است و بزودی تولید انبوه آن آغاز خواهد شد.

بودجه نظامی کشور، بیش از هر چیزی ناشی از کاهش بودجه عمومی کشور و بدهی کلان نزدیک به ۴۰ میلیارد دلاری است. بسا این حال نظامیان حکومتی ادعا می کنند که ارتش ایران از کارآمدترین ارتش های جهان است. پاسداران اخیراً ادعا کرده که نیروهای محسن رضایی فرمانده کل سپاه

۵۰٪ مسیژان برنامهریزی شده تجاوز نکرده است. در ۶ سال گذشته به جای خرید صد هواپیمای جنگی، موفق به خرید تنها ۶ فروند هواپیمای گروید و از ۲۰ تانک پیش بینی شده به میزان یک پنجم آن و از ۲۰۰ تا ۳۰۰ دستگاه توپ، حدود ۱۰۰ عدد خریداری کرده است. کاهش نسبی

رژیم جمهوری اسلامی علیرغم اختصاص ۲ میلیارد و ۹۴۰ میلیون دلار بودجه برای مصارف نظامی، به دلیل بحران شدید مالی به بسیاری از اهداف خود در زمینه تأمین تسلیحات دست نیافته است. به نوشته واشنگتن پست جمع کل خریدهای تسلیحاتی جمهوری اسلامی در سالهای اخیر از

## بنده حاضرم جانم را بدهم..!

● جمهوری اسلامی دموکراتیک ترین حکومت روی زمین است... «ژرفا»، «بُرد» و «پهنآوری» دموکراسی در ایران قابل مقایسه با هیچ نظام دموکراتیک نیست!

محمد کاظم انبار لویی، سردبیر روزنامه رسالت

● اگر قرار است با دیدن در مقوله آزادی احزاب و تضارب آراء، آن هم از سوی روزنامه رسمی و دولتی، میدان فعالیت بیشتر و رسمی تر به امثال روشنفکران طرف صحبت شما داده شود، بنده حاضرم جان خود را بدهم تا چنین آزادی تحقق پیدا نکند!

مهدی نصیری، مدیر مسئول هفته نامه صبح در گفتگو با روزنامه ایران

## جمهوری اسلامی مسئولیت وزیر اطلاعات خود در ترور برلین را همچنان انکار می کند

روزنامه سلام: تکذیبها نشانه درستی اصل خبر است

مقامات جمهوری اسلامی در برابر اتهاماتی که از سوی دادستانی آلمان، مبنی بر دخالت علی فلاحیان وزیر اطلاعات رژیم در واقعه ترور

### «اتهامی» که باعث سرشکستگی هیچ ایرانی نیست!

حکومت اسلامی برای این که همدردی مردم ایران را نسبت به وزیر اطلاعات چنایکتار خود به دست آورد، اتهامات دادستانی آلمان و گزارشات نشریات خارجی در این مورد را «تبلیغات ضد ایرانی» نامید. موارد نادری بوده است که سران حکومت، در حیات ۱۶ ساله خود به یاد ایران و ایرانیان بیفتند و این لحظات نادر لحظاتی بوده است که احساس کرده اند به سلاحی نیرومندتر از تبلیغات ارزان قیمت هر روزهاشان برای دفاع از خود و فریب مردم نیاز دارند. غیر از این لحظات نادر، هر چه در کلام و سخن حکومتگران بوده، نفی ایران و ایران دوستی و تبلیغ امت و اسلام پرستی بوده است.

رژیم جمهوری اسلامی هیچ ربطی به ایران و ایران دوستی ندارد که سرشکستگی آن در جهان به حساب سرشکستگی ایران گذاشته شود. این رژیم، رژیمی است که به ناحق نام و نمایندگی ایران را در دنیا غصب کرده و تا به حال نیز هر چه کرده جز سرشکستگی برای کشور ما نبوده است. محکومیت این رژیم و رسوایی هر چه بیشتر آن در جهان مایه سرشکستگی هیچ ایرانی آزادی خواهی نیست. ننگ و سرشکستگی آن جا است که حکومت اسلامی نماینده ایران و مردم ایران تلقی شود و سربلندی و افتخار، آن جاست که به جهانیان ثابت شود مردم ایران این رژیم را از خود و کشور خود نمی شناسند.

برلین اعلام شده است، هم بسیار دیر و هم بسیار متناقض واکنش نشان دادند. در حالیکه سخنگوی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، «ادعاهای» دادگاه برلین علیه جمهوری اسلامی را «بی اساس» خواند، علی اکبر ولایتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی تکذیب نمود که دادستانی آلمان حکمی علیه فلاحیان صادر کرده باشد و سفیر جمهوری اسلامی در آلمان هرگونه اتهام درباره وزیر اطلاعات رژیم را «کذب محض» نامید. سخنگوی وزارت اطلاعات در مصاحبه با واحد مرکزی خبر مدعی شد: «هیچ یک از متهمان دادگاه میکونوس برلین ارتباطی با وزارت اطلاعات ایران نداشته اند و اخبار مغرضانه ای که در مورد ارتباط و تماس آن ها با این وزارت در خصوص واقعه ۲۶ شهریور ۱۳۷۱ در برلین طرح می شود، نادرست است. سخنگوی وزارت اطلاعات در این مصاحبه اتهامات دادستان کل آلمان به علی فلاحیان را تایید نمود اما آن ها را نادرست خواند. این در حالی است که حسین موسویان، سفیر جمهوری اسلامی در بن، سخنان ولایتی را تکرار کرد و مدعی شد: «هیچ حکمی از سوی دادستانی آلمان

در مورد حجت الاسلام فلاحیان وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی ایران صادر نشده و مقام های قضایی و سیاسی آلمان نیز در این مورد اظهار نظری نکرده اند.» وی دوباره این ادعا را تکرار کرد که: «ایران هیچ دخالتی در ماجرای این ترور نداشته است.» این اظهارات باور کسی را، حتی در میان نیروهای وابسته به حکومت برنیتگیخت. روزنامه سلام ضمن رد تکذیب های پستی در پی مقامات حکومت، در ستون «پشت تیر اخبار» خود نوشت: به ویژه سخنان آقای ولایتی، با توجه به جایگاه وی به عنوان راس دستگاه اجرایی سیاست خارجه کشور، بیش از هر چیز به معنای تایید اصل خبر صدور حکم از سوی دادستانی آلمان بود.

همزمان با اتهامات دادستانی آلمان علیه علی فلاحیان، وی پس از مدت ها که از شایعه فرار او به خارج کشور می گذشت، در نماز جمعه تهران حضور یافت. تا هم نقطه پایانی بر این شایعات باشد و هم نشان دهد که وی کماکان مورد تایید و حمایت سران حکومت اسلامی است.

## خبرهای کوتاه

### تشکیل حزب «مستقل» مردم ایران

قاسم شعله سعدی عضو کمیسیون سیاست خارجی و نماینده شیراز در مجلس جمهوری اسلامی اعلام کرد که قبل از برگزاری مجلس پنجم حزبی «مستقل» به نام «مردم ایران» تشکیل خواهد شد. او گفت گروه مستقل سومی که در برخی محافل به نام «میانرو» یا «فن گرایان» شهرت یافته اند، در صدد تشکیل یک حزب اسلامی هستند که وابستگی به هیچکدام از دو جناح اصلی اکثریت و اقلیت در مجلس ندارد. شعله سعدی التزام به اسلام و ولایت مطلقه فقیه، پایبندی به قانون اساسی، داشتن تخصص و تجربه در یکی از رشته ها، آزادگی و تلاش برای دفاع از حقوق فردی و اجتماعی را از جمله شرایط عضوگیری در این حزب دانست.

### ولایتی کاندیدای ریاست جمهوری نیست

علی اکبر ولایتی که از مدتها پیش در محافل جمهوری اسلامی به عنوان کاندیدای پست ریاست جمهوری مطرح بوده است، تصریح کرد که کاندیدای پست ریاست جمهوری در انتخابات سال ۱۳۷۶ نخواهد بود. حسن حبیبی معاون اول رئیس جمهور که نام او نیز در محافل یاد شده ذکر شده بود، ماه گذشته احتمال کاندیداتوری خود را رد کرد. به این ترتیب از میان کسانی که نام آنها تا کنون به میان آمده است تنها ناطق نوری رئیس مجلس، به اشکال گوناگون اعلام آمادگی خود را اعلام کرده است.

### ۱۰ هزار تلفن سیار در تهران

مهندس رشیدی معاون برنامه ریزی و توسعه شرکت مخابرات اعلام کرد که تا به حال ۱۰ هزار شماره تلفن سیار (موبایل) در استان تهران توزیع شده و طی چندماه آینده حدود ۹۰ هزار شماره دیگر در این استان واگذار خواهد شد. وی همچنین گفت شهرهای کرمان، شیراز، اصفهان، مشهد، تبریز، بندرعباس و اهواز نیز تا نیمه اول سال ۷۵ به شبکه تلفن سیار متصل خواهند شد. قرار است مشترکین در هر شهر از ۵۰۰۰ شروع شده و به تدریج بر تعداد آنها افزوده شود.

### تعطیل جمعه بازارهای ایران هنگام نماز جمعه

طی بخشنامه ای که اخیراً از سوی وزارت کشور به کلیه استانداران ابلاغ شده، کلیه جمعه بازارهای سراسر کشور باید یک ساعت قبل از شروع تا یک ساعت پس از پایان نماز جمعه، کاملاً تعطیل باشند.

### انتشار ۱۳ نشریه ی جدید

علی اکبر اشعری معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد رژیم، از دادن مجوز برای انتشار ۱۳ نشریه توسط هیئت نظارت بر مطبوعات خبر داد. نشریات «دریچه» به صاحب امتیازی لطف الله اجدانی، «رویداد» به صاحب امتیازی دانشگاه زنجان، «کارمند» به صاحب امتیازی سازمان امور اداری و استخدامی کشور، «ارمغان» به صاحب امتیازی مسعود کریم پور نطنزی، «هما» به صاحب امتیازی شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی، «طلوع» به صاحب امتیازی محمد مهدی جعفرزاده، «روانشناسی ایران» به مسئولیت علی شریعت مداری، «فرزانه های صدر» با مسئولیت محمد حسین خاشانه ای، «الزهر» با مسئولیت فریده مصطفوی، از جمله نشریاتی هستند که مجوز انتشار آنها اخیراً صادر شده است.

### تعطیلات زمستانی مدارس یک هفته می شود

محمد علی نجفی وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی اعلام کرد که با شروع سال تحصیلی از ۱۵ شهریور ماه از سال آینده، همزمان با پایان نیمه اول سال تحصیلی در اواخر دی ماه، تعطیلات زمستانی به مدت یک هفته پیش بینی شده است.

### ادامه ی فروش سهام کارخانه های دولتی

روند واگذاری سهام کارخانجات دولتی به بخش خصوصی که در سال ۷۴ متوقف شده بود از سال دیگر ادامه خواهد یافت. معاون امور مالی وزارت صنایع جمهوری اسلامی ضمن اظهار این خبر اعلام کرد که تا کنون ۱۲۰ واحد صنعتی تحت پوشش سازمان صنایع ملی ایران و بیست کارخانه متعلق به سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران به بخش خصوصی واگذار شده است.

### صد هزار دانشجوی پزشکی در دانشگاه های دولتی

سید حسن امامی معاون دانشجویی و امور مجلس وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی اعلام کرد که در دانشگاه های دولتی ایران یکصد هزار دانشجوی پزشکی مشغول تحصیل هستند. وی گفت که در حال حاضر ۳۶ هزار پزشک در ایران وجود دارد که با احتساب رقم ۶۰ میلیون نفر برای جمعیت ایران به ازای هر ۱۶۰۰ نفر یک پزشک وجود دارد. قرار است در صورت اجرای برنامه دوم پنجساله، تعداد پزشکان کشور به ۶۰ هزار نفر برسد.

### معافیت بخشی از مشمولان و سربازان فراری

محسن انصاری معاون هماهنگ کننده نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی اعلام کرد که مشمولان خدمت وظیفه عمومی که وضعیت خدمت خود را تا اول سال ۷۱ روشن نکرده باشند با پرداخت مبلغی بین ۳۵۰ هزار تومان تا ۲ میلیون و پانصد هزار تومان معاف خواهند شد.

طرح مذکور شامل هفت دوره برای مشمولان و سربازان دارای تحصیلات بالای فوق دیپلم و سه دوره برای تحصیلات کمتر از آن است. متولدان سال های ۱۳۲۸ تا پایان ۱۳۳۷ با تحصیلات دکتری رشته های مربوط به پزشکی و متولدان ۱۳۳۴ تا پایان ۱۳۴۳ با تحصیلات لیسانس و بالاتر رشته های دیگر، مشمول طرح یاد شده می باشند.

## در ایران همه از آزادی احزاب سخن می گویند...

احزاب و گروه های سیاسی آشکار داریم. وی اطمینان داد که با تشکیل «احزاب سیاسی آشکار در درون نیروهای وفادار به نظام و قانون اساسی» امکان توسعه و سازندگی تندتر خواهد شد.

در این میان، روزنامه سلام که از پیشگامان و مدافعان فعالیت احزاب، در چهارچوبه نیروهای طرفدار جمهوری اسلامی بوده است، نسبت به آنکه بخواهند موج گرایی به سوی فعالیت حزبی را که در کشور در حال پدید آمدن است به سوی یک حزب فرمایشی و گوش به فرمان بکشانند، ابراز نگرانی کرد:

«به هر حال امروز ناگهان همه به این فکر افتاده اند که حزب خوب است و حتی زندگی بدون حزب غیرممکن است و حتی عدای به فکر حزب فراگیر افتاده اند. مجموعه اظهاراتی که این روزها در رابطه با حزب می شود، این نگرانی را دامن می زند که نکند حزبی (راه) بیاندازند با تبلیغات وسیع و حمایت صاحبان قدرت و چنان وضعی پیش بیاورند که هر کس در این حزب شرکت کند و عضو شود، کاملاً اسلامی و طرفدار ولایت فقیه و ضد آمریکا و خلاصه واجد همه ارزش ها است و هر کس با وجود این حزب اقدام به تشکیل حزبی دیگری کند و یا در حزب دیگری عضو شود، قطعاً طرفدار اسلام آمریکایی و ضد ولایت فقیه و طرفدار رابطه با آمریکا و خلاصه ضد انقلاب و مشکوک و لازم است با آن برخورد شود.»

## رژیم اسلامی در شمال آلمان فرودگاه می خرد

جزیره، خبر مذاکرات در این مورد را تایید کرد. این فرودگاه تحت مالکیت مشترک دولت فدرال آلمان و شهرداری جزیره است. لازم به تذکر است که دو سال پیش نیز فرودگاهی در آلمان در اختیار عده ای ایرانی قرار گرفته بود. این فرودگاه نام فرودگاه آیت الله هاشمی و از آن برای مقاصد توطئه گرانه جمهوری اسلامی از جمله صدور اسلحه استفاده می شد.

«هرج و مرج» اند. محمد کاظم انبیا لوی، سردبیر روزنامه رسالت می گوید: «احزاب فعالند و هر کس می خواهد فعالیت کند این گوی و این میدان. هیچ کس مانع نیست.» به گفته وی احزاب در جمهوری اسلامی باید «تمرین ولایت پذیری» کنند و احساس کنند «تحت ولایت و زعامت مردی هستند که همه جامعه، صلاحیت های علمی، تقوایی و... او را پذیرفته اند.»

عظالم الله مهاجرانی، یکی از دولتمردانی که از ضرورت آزادی احزاب سخن می گوید و معتقد است زمان مناسب برای تشکیل احزاب فرا رسیده است می گوید: «باید گروه های موجود به طور رسمی برنامه ها، چگونگی سازماندهی و اهداف خود را در غالب احزاب سیاسی اعلام کنند.» به گفته وی «گروه های موجود» دو جناح اصلی کشور یعنی جامعه روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز هستند، که در هر دو جناح نیز مجموعه هایی که دربرگیرنده اصناف و گروه های اجتماعی مختلفی هستند، فعالیت می کنند.

غلامرضا انصاری، نماینده مشهد در مجلس به خبرنگار روزنامه ایران گفت: «ما برای رسیدن به یک مجلس مطلوب و کارآمد که بتواند مشکلات سیاسی و اجتماعی نظام را به صورت تخصصی تجزیه و تحلیل کند، نیاز به

و در آستانه انتخابات دوره پنجم مجلس، حاکمیت باید ظرفیت خود را با تحمل دو سه نماینده از گروه های مخالف در مجلس، نشان دهد.

شاهرخ توپسرکانی، سردبیر ماهنامه دنیای سخن، احزاب را به فرزندان جامعه تشریح کرد و گفت: «جامعه بدون احزاب، شبیه خانه و خانواده بدون فرزند است و خانه و خانواده ای که از حضور فرزندان (هر کدام با خوی و خصلت خویش) و نقش زندگی ساز و فرحبخش آنان بی نصیب باشد، جز رخوت و افسردگی و سکوت بهره ای نخواهد برد. توپسرکانی نیز تاکید کرد باید: «آزادی احزاب (در عمل و به عین) اتفاق بیفتد و نه تنها با در دست داشتن مجوزی از وزارت کشور، به محفل منفعل و یا انجمنی جهت سودجویی ها و اعمال سلیق جریان بدل شود. احزاب باید با اقتدار و رای مستقل به وجود آمده و وارد عمل شوند، و به هیچ قدرتی اجازه ندهند که اهداف سازنده آنان را به سوی حرکت های تشریفاتی سوق دهد.»

عباس معروفی، مدیر مسئول ماهنامه گردون گفت: «ایران در سالهای اخیر به دلیل عدم فعالیت احزاب سیاسی، در حال حاضر در وضعیتی به سر می برد که می توان گفت کفه ترازو و تعادل برقرار نیست.» به عقیده وی: «امروزه پیش از آن که به حکومت فکر کنیم، موظفیم به جامعه ببنشینیم. جامعه سالم و نقدپذیر، حکومت را از بلایای گوناگون مصون می دارد، اما اگر با این تفکر به قضیه نگاه کنیم که همه مثل هم فکر کنند، هیچ کس سرغ آنها را کیش نکند، مثل تفنگری که برخی افراد و روزنامه نویسی ها اعتقاد دارند، این فقط نگاه کردن به نوک بینی است.»

خلاف روزنامه نگاران مستقل، که بر ضرورت آزادی احزاب دگراندیش تاکید می کنند و نگرانی خود را از تشکیل احزاب فرمایشی و حکومتی و دخالت حکومت در کار احزاب اعلام می کنند، مقامات و روزنامه نگاران حکومتی به طور عمد فعالیت فعالیت احزاب طرفدار حکومت و قانون اساسی را، آن هم به طور مشروط مورد تایید قرار می دهند و نگران

بقیه از صفحه اول خبرگزاری جمهوری اسلامی، به یک نظر خواهی نسبتاً گسترده، در مورد ضرورت فعالیت های حزبی در کشور دست زده است و در این نظر خواهی برای نخستین بار سخنان روشنفکران دگراندیش کشور را نیز در کنار نظرات مقامات و روزنامه نگاران حکومتی منتشر کرده است.

فرج سرکوهی، سردبیر مجله آدینه، ضمن اشاره به مشکلات جامعه، گسایش به استبداد شرقی و مخالفت هایی که با دموکراسی وجود دارد، به گزارشگر روزنامه ایران گفت: «در چند سال اخیر به ظاهر همگان - و حتی برخی از مقام های مدیریت جامعه - از ضرورت آزادی احزاب سخن می گویند، پس مشکل کجاست؟» سرکوهی افزود: «از ضرورت آزادی احزاب سخن می رود، اما گفته نمی شود که چه عواملی مانع تحقق آزادی احزاب اند. مردم که با آزادی خود موافق اند، بخشی از مدیریت جامعه نیز بر آزادی فعالیت احزاب سیاسی در سخن تاکید می کنند، اما ادعای آنان پذیرفتنی است آنگاه که به صراحت و روشنی با مردم بگویند که چه عواملی تا کنون و به احتمال بسیار، در آینده نزدیک، مانع شکل گیری و فعالیت آزاد احزاب مستقل هستند.» سرکوهی تاکید کرد: «اگر آزادی احزاب را بپذیریم باید التزامات آن را، از جمله آزادی بیان و قلم و اجتماعات را نیز بپذیریم.»

مسعود پهنود، روزنامه نگار، در این مورد گفت: «اتفاق مهم در این روزها این است که ناگهان قفل از دهانها برداشته شده و همه می گویند مملکت احزاب سیاسی لازم دارد. این خود حادثه مهم و نیکی است. من می گویم کشور احزاب سیاسی واقعی لازم دارد و بر این صفت «واقعی» تأمل می کنم. یعنی یک تشکیلات منظم که با برنامه ای مشخص به میدان در آید. یعنی نه دستوری و فرمایشی باشد، نه حول محور یک شخص شکل بگیرد، نه برای یک کار امروزی (مثلاً رساندن سه چهار نماینده به مجلس که در حد خود عملی ناپسند نیست). می ماند دولت و حاکمیت که برای نشان دادن آمادگی شان در پذیرفتن فایده و لزوم تشکیل احزاب سیاسی کافی نیست که یکی دو دولتمردش در این باره سخن بگویند. مثلاً در مرحله فعلی



به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد جنبش فدائیان خلق



نظرسنجی از یاران و دوستداران سازمان

# لحظه تأمل!

۸ - نخستین کنگره سازمان - با هر معیاری - یک نقطه عطف مهم در حیات سازمان است. تصمیمات این کنگره را در جهات عمده زیر چگونه ارزیابی می‌کنید؟

- # در حفظ و احیای وحدت صفوف سازمان:
- موفق بود  موفق نبود (نظر دیگر)
- # در جلب کادرهای سازمان به کار سازمانی و فعالیت بیشتر:
- موثر بود  بی‌تاثیر بود  اطلاع ندارم
- # در زمینه تحقق موازین دموکراتیک در حیات سازمانی:
- مثبت بود  منفی بود  مشخص نیست
- # در ارائه یک ارزیابی درست و منصفانه از گذشته
- موفق بود  موفق نبود  برایم مشخص نیست
- # در تدوین یک خط مشی کلی روشن و بسیج‌گر:
- توانمند بود  ناتوان بود  نمی‌دانم
- # در معرفی چهره‌های قابل اعتماد و جذاب از سازمان به دیگر فعالین چپ و دموکراتیک:

- موفق بود  موفق نبود  نمی‌دانم
- # از هر جنبه دیگر... (توضیح دهید)
- مثبت بود  منفی بود
- # از هر جنبه دیگر... (توضیح دهید)
- مثبت بود  منفی بود

۹ - در طول این ۲۵ سال کدام عمل سازمان یا واقعه معین در رابطه با سازمان بیشترین تاثیر را، مثبت یا منفی، بر ذهن شما گذاشته است. ۵ مورد را با ذکر جهت به ترتیب اهمیت نام برید:

- ۱ - .....
- ۲ - .....
- ۳ - .....
- ۴ - .....
- ۵ - .....

۱۰ - مهمترین نقطه ضعف سازمان در وضع فعلی را در کجا می‌بینید. به ترتیب اهمیت تا سه مورد را نام برید

- ۱ - .....
- ۲ - .....
- ۳ - .....

۱۱ - مهمترین و مثبت و برجسته‌ترین نقطه قوت سازمان که باید حفظ یا تقویت شود را، در کجا می‌بینید؟ تا سه مورد را به ترتیب اهمیت شرح دهید.

- ۱ - .....
- ۲ - .....
- ۳ - .....

۱۲ - در ذیل مهمترین سوال‌هایی را که باید طرح شود ولی در این پرسشنامه طرح نشده را، به ترتیب اهمیت خودتان طراحی کنید و پاسخ دهید:

- سوال اول: .....
- سوال دوم: .....
- سوال سوم: .....

برای دقت بخشیدن به نظرخواهی لطفا جدول زیر که حاوی مشخصات پرسش‌شونده است، را نیز پر کنید

- سن: .....
- جنس: .....
- وضعیت تاهل: .....
- مدت اقامت در خارج: .....
- تحصیلات: .....
- وضعیت اقامت: .....
- وضعیت اشتغال: .....

برای دقت بخشیدن به نظرخواهی بعدی لطفا درباره شکل، مضمون و زمان و هر نوع نقطه ضعف یا قوت دیگر که در این پرسشنامه مشاهده می‌کنید خلاصه‌ی نظر خود را شرح دهید.

هر سالی که ۱۹ بهمن نزدیک می‌شود، هزاران هزار از ایرانیانی که خود را به نوعی در پیوند با نهضت فدایی احساس کرده‌اند چه با مرور خاطرات، چه با تکرار تصویری از آرمان‌ها و چه با نگاهی به وضع فعلی و یا به طرق دیگر، لحظه‌ی فضاوینی تازه‌تر را با خود به جشن این زادروز می‌برند. و امسال که ۲۵ سالگی است، پرواز اندیشه‌ها طبعاً بعد دیگری دارد؛ امسال را ارزیابی‌ها و نظرها دیگر نه چندان سال به سال، که دربرگیرنده‌ی دهه‌ها و شاید هم یک ربع قرن است. از این رو نشریه «کار» بر آن شده که شاید مفید باشد این برگ را زورقی کنیم که بار اندیشه‌ی هر یاور این سازمان را به هر سوی دیزها بکشانند و از دیگری بپرسند که نوجه فکر می‌کنی؟

پرسشنامه‌ای را تهیه دیده‌ایم که همان می‌کنیم همگانی‌ترین پرسش‌ها بپرسیم، بی‌آنکه همان‌زینیم پاسخ‌ها تا چه میزان همگانی‌اند. پرسش‌نامه را به مناسبت بیست و پنجمین زادروز جنبش فدایی انتشار می‌دهیم و از شما می‌خواهیم که ضمن پاسخگویی به آنچه که در این پرسش‌نامه طرح شده هر نوع سوال دیگری را نیز که برای همه پرسشی ضروری می‌دانید به انتهای پاسخ‌های خود بیافزایید.

تجربه قبلی نشان داده که کار اساسی برای استخراج و جمع‌بندی نتایج نظرسنجی، پیش از پیش‌بینی، زمان می‌برد. لذا اگر کار خوب پیش برود و اکثر پاسخ‌ها تا قبل از ۱۹ بهمن (۱۰ فوریه ۹۶) بدست ما برسد ما برای روز جشن سالگرد فقط قادر خواهیم شد نتایج اولیه را به اطلاع خوانندگان خود برسانیم.

۵ - درباره نقش هر یک از نیروهای سیاسی مخالف در مقابل حکومت در سالهای پیش از انقلاب تا اوایل دهه ۶۰ قضاوت‌های حاد وجود دارد. شما سیاست‌ها و خط مشی‌های سیاسی متخذه از جانب کدام یک از نیروهای سیاسی زیر را بر سیاست‌های متخذه از سوی سازمان ترجیح می‌دهید و کدام یک را منفی‌تر ارزیابی می‌کنید (سیاست سازمان مینا و شماره آن صفر. سیاست‌های منفی‌تر را با شماره‌های منفی بزرگتر و سیاست‌های مثبت‌تر را با شماره‌های مثبت بزرگتر نمایش دهید):

- سازمان مجاهدین و متحدین
- اقلیت، پیکار، راه کارگر  - نهضت آزادی، حزب ملت ایران، جما، جنبش مسلمانان مبارز
- نهضت مقاومت ملی و سایر محافل مشابه
- (نیروی دیگر، نام برید) .....
- (نیروی دیگر، نام برید) .....

۶ - طی این ربع قرن، سازمان سه بار و هر بار از پی گسترش شکل‌گیری و یا جایگزینی یک سیستم بنیادین نظری - فکری در صفوف آن، خود را به صورت زیر تعریف کرده است:

- دوره اول - سازمان سیاسی - نظامی و پشاهنگ خلق
- دوره دوم - سازمان سیاسی طبقه کارگر ایران و جزیی از جنبش جهانی کمونیستی و کارگری

دوره فعلی - سازمانی چپ و دموکراتیک با آرمان‌های سوسیالیستی. شما روند این تحول ماهوی را چگونه می‌بینید؟ (خانهدی مورد نظر خود را علامت بزنید)

- روند تحول فکری از دوره اول به دوم و دوم به سوم مثبت است.
- روند تحول فکری از دوره اول به دوم مثبت، از دوره دوم به سوم منفی و قهقرازی است.
- روند تحول فکری در سازمان کلا در جهت قهقرا نبوده است اما هویت فعلی باید تغییر کند.
- روند تحول فکری از دوره اول به دوم منفی و از دوره دوم به سوم مثبت بوده است.
- (ارزیابی دیگر - توضیح دهید) .....

۷ - در اولین سال‌های پس از انقلاب، سه گروه از سازمان جدا شدند. باشناختی که از مواضع و دیدگاهها و نیز از روند اختلافات دارید کدام عوامل رادر این جدایی‌ها موثرتر می‌دانید؟ به ترتیب شماره بزنید.

- سمت‌گیری‌های فکری و سیاسی (در انشعاب اول  دوم  سوم  در دو راستای متضاد انکشاف می‌یافت و حفظ وحدت غیرممکن شده بود و یا می‌شد)
- فقدان یا ضعف دمکراسی درون سازمان، به طور مشخص فقدان حق بیان و انتشار آرا و عقاید در سازمان و عدم امکان انتخاب رهبری توسط اعضا در مقطع حدت اختلاف راهی جز انشعاب باقی نمی‌گذاشت.
- برخورد نادرست، تیره کردن مناسبات و اعمال تخریبی، عدم تحمل و فقدان تجربه کافی (در انشعاب اول  دوم  سوم )
- شرایط بحرانی و بفرنج، مداخلات دیگران
- عوامل دیگر (شرح دهید) .....
- عوامل دیگر (شرح دهید) .....

۱ - مهمترین دلیل پیدایی جنبش فدایی را در چه می‌دانید؟ به ترتیب شماره‌گذاری کنید (اگر با هر یک مخالفید علامت ۰ بگذارید):

- وحدت دیکتاتوری
- انفعال موجود در چپ ملی سنتی
- گسترش موج چپ نوین در جهان
- تغییرات در ساختار زیربنایی جامعه
- تصمیم و اراده بنیانگذاران سازمان
- (دلیل دیگر) .....
- (دلیل دیگر) .....

۲ - در دهه ۴۰، در میان فعالین چپ، این فکر کاملاً غالب بود و تقریباً همگانی شد که جز اتکاء به شیوه‌های قهرآمیز مبارزه هیچ راه دیگری وجود ندارد که به اتکای آن بتوان مبارزه علیه رژیم موجود را سازمان داد. اگر شما در آن زمان نظر دیگری جز این نظر عمومی داشتید چه می‌کردید. به ترتیب انتخاب‌های خود را شماره بزنید:

- پیوستن به محافل مخالف و تقویت آنها
- پیوستن به جریان همگانی و تلاش جهت تعدیل آن
- انتظار یا حرکت فردی تا زمانی که وضع تغییر کند.
- راه حل دیگر .....
- راه حل دیگر .....

۳ - در مقطع انقلاب بهمن، فداییان، همه تمایلات غیرمذهبی جامعه را به سوی خود متمایل ساخته و دیگر جریانهای غیر مذهبی اعم از چپ و ملی در انزوای نسبی بودند. دلیل اصلی این موقعیت چه بود؟ به ترتیب شماره بزنید:

- عملیات مسلحانه و ایستادگی قهرمانانه فدائیان در مقابل سرکوب در دوره پس از شکست ۲۲
- شرکت فعال در روند انقلاب و تاکتیک‌هایی که با روانشناسی مردم بیشترین تطابق را داشت.
- تلقی عمومی دایر بر اینکه فداییان صادق‌اند و سیاست‌های آنها تابع تصمیم و تمایل بیگانگان و یا به خاطر پول و مقام نیست.
- ضعف و ناتوانی و یا اشتباهات دیگر گروه‌های چپ
- (دلیل دیگر) .....
- (دلیل دیگر) .....

۴ - شرکت سازمان در انقلاب بهمن - همچنان در اذهان فداییان و دیگران مدام مرور می‌شود. نظر فعلی شما در این باره چیست؟ به ترتیب شماره بزنید. اگر مخالفید (۰) بگذارید:

- شرکت سازمان در انقلاب و سرنگونی رژیم پهلوی بیشترین بهره‌اش نصیب خمینی شد و لذا اشتباه بود.
- شرکت سازمان در انقلاب، علیرغم بهره‌اش برای خمینی صحیح بود. سازمان می‌بایست مخالف پیگیر شاه باقی می‌ماند.
- شرکت سازمان در انقلاب صحیح بود. سازمان می‌بایست مخالف پیگیر شاه باقی می‌ماند و از همان روزهای پیش از انقلاب با استقرار حکومت مذهبی نیز مخالفت می‌کرد.
- (نظر دیگر) .....
- (نظر دیگر) .....

به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد جنبش فدایی

اسناد، قطعنامه‌ها، قرارها و پیام‌های چهار کنگره

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۱۳۶۹ - ۱۳۷۴

به زودی منتشر می‌شود

یک چهارم قرن  
پیکار فدائیان خلق ایران  
در راه صلح، آزادی، دمکراسی و سوسیالیسم  
را گرامی بداریم  
ستاد برگزاری جشن سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

با کمک‌های مالی خود  
فدائیان خلق (اکثریت)  
را در انجام وظایف ملی - دموکراتیک یاری دهید  
نشریه «کار»  
را مشترک شوید و اشتراک آنرا را به دوستان و  
آشنایان خود نیز توصیه کنید

## در ایران، برای هر هزار نفر، ۲۶ روزنامه وجود دارد

## جایزه پازولینی برای کیارستمی



منتشر می‌شود، که این رقم برای کشورهای در حال توسعه به طور متوسط ۴۴ و در کشوری همچون ژاپن ۵۸۰ نسخه است. بر اساس تحقیقات انجام شده ۳۳ درصد مردم ایران هیچوقت روزنامه نمی‌خوانند و در جمع روزنامه‌خوانان، ۸۳ درصد کمتر از ۶۰ دقیقه و ۴۳ درصد گهگاهی می‌خوانند.

ضعف فرهنگ مطالعه در کشور ما، سانور دولتی که نشریات و بویژه روزنامه‌ها را تنها به ارائه خبرها و گزارشهای یکدست و یاحداکثر طرح مسائل مربوط به درگیری جناح‌های حکومتی و داشته، گران و کمیابی کاغذ و لوازم چاپ، کمبود کادر حرفه‌ای در عرصه روزنامه‌نگاری که قسماً به مهاجرت جمع چشمگیری از اهل این حرفه مربوط می‌شود، افت آموزشی در دانشکده و موسسات مربوط به روزنامه‌نگاری و امور رسانه‌ها و... از مهمترین زمینه‌های افت تیراژ

آخرین اطلاعات از وضعیت مطبوعات کشور نشان می‌دهد که از نزدیک به ۶۲۲ نشریه‌ای که برای انتشار اعلام آمادگی کرده‌اند، تنها ۵۲۴ نشریه فعال هستند و ۱۰۰ نشریه به علل مختلف و از جمله سانور، کمبود کاغذ و گران‌ی ابزار و لوازم چاپ، انتشار نمی‌یابند. معاون وزیر ارشاد اخیراً در اراک اعلام کرد که تیراژ کل نشریات ایران یک میلیون و ۵۰۰ هزار نسخه است که یک میلیون نسخه آن مربوط به تیراژ روزنامه‌ها و بقیه متعلق به هفته‌نامه‌ها، ماهنامه‌ها و فصلنامه‌هاست، این در حالی است که مجله مستقل گزارش در سرمقاله یکی از شماره‌های اخیر خود تیراژ کل نشریات دارای مجوز - اعم از دولتی و مستقل - را حدود ۴۸۰ میلیون نسخه در سال اعلام کرده است.

آمارهای منتشر شده همچنین نشان می‌دهد که در ایران به ازای هر هزار نفر جمعیت، ۲۶ نسخه روزنامه

مطبوعات در کشور به شمار می‌آیند. این افت به رقابت میان رسانه‌های دیداری - شنیداری (رادیو، تلویزیون و...) و رسانه‌های چاپی نیز مربوط می‌شود که ضعف مطبوعات در این عرصه باز هم تا حدودی به عوامل مذکور برمی‌گردد. طبق آمار یونسکو

بنیاد پیرو پائولو پازولینی، سینماگر و شاعر نامدار ایتالیا، جایزه امسال خود را به عباس کیارستمی کارگردان معروف سینمای ایران اعطا کرد. این جایزه که از ۱۹۸۶ سالانه به برگزیدگان رشته شعر و سینما داده می‌شود امسال به خاطر «سیمی»

شاعرانه و انسانی» کیارستمی به وی تعلق گرفت. در مراسم اهدای این جایزه که روز چهارشنبه بیست و دوم آذر ماه (۱۳) دسامبر) در رم برگزار گردید برتولچی سینماگر نامدار ایتالیا، جایزه مذکور را به کیارستمی اهدا کرد.

## «بادکنک سفید»

## قربانی کشمکش آمریکا و جمهوری اسلامی

ارسال «بادکنک سفید» به اسکار را نمی‌دهد. سالهای سال جمهوری اسلامی با اشاره به چالش‌ها و تضادهای خود با دولت آمریکا از رفتن تسمیه‌های ورزشی ایران به مسابقاتی که در آمریکا برگزار می‌شوند، جلوگیری کرد. حال ظاهراً مقامات اسلامی دامنه این گونه تسمیه‌های غیراصولی را به گستره سینما نیز کشانده‌اند.

فیلم «بادکنک سفید» ساخته جعفر پناهی که سال گذشته یکی از جوایز جشنواره کان فرانسه را ربود، قرار بود به عنوان فیلم پیشنهادی ایران برای جشنواره اسکار ۹۶ معرفی شود. اما جمهوری اسلامی در یک اقدام نسنجیده، تصویب بودجه ۲۰ میلیون دلاری کنگره آمریکا برای ضربه زدن به حکومت ایران را بهانه قرار داد و برای «تلافی» اعلام کرد که اجازه

## معرفی کتاب

## نمادهای اسطوره‌ای و روان‌شناسی زنان

انتشارات روشنگران - تهران

چاپ اول: ۱۳۷۳

نویسنده: شینودا بولن

مترجم: آذر یوسفی

## فرانسه: روشنفکران و اعتصاب‌ها

دستکم از بعد از مرگ ژان پل سارتر، نویسندگان و روشنفکران فرانسه کمتر خود را درگیر امور سیاسی و جنبش‌های اجتماعی می‌کرده‌اند، به گونه‌ای که آنها پیوسته به «برج عاج‌نشین» متهم شده‌اند. حتی از مایشای اتمی اخیر فرانسه و سر و صدا و اعتراضیهایی که این آزمایشها در جهان ایجاد کرد نیز نتوانست روشنفکران و اندیشمندان فرانسوی را برای موضعگیری و موافقت یا مخالفت بسان دهه‌های پیش به صحنه بیاورد.

با اعتصاب اخیر کارگری در فرانسه اما، به نظر می‌آید که اوضاع تا حدودی دگرگون شده است. پیر بوردو، فیلسوف و نویسنده معروف فرانسوی پایه پای اعتصابگران به تظاهرات خیابانی پرداخت و در یک سخنرانی آنتین مبارزه کنونی را قیام دموکراسی علیه تکنوکراسی ارزیابی نمود و به کسانی که شعار «لیبرالیسم یا بربریت» را سر داده‌اند به سختی حمله کرد. برنارد هنری لویی، فیلسوف و اندیشمند دیگر فرانسوی، طرحهای دولت ژوپه را نبردی خودکشانه علیه چهارستون اصلی جامعه فرانسه (سیستم آموزشی، موقعیت خوب کارکنان دولت، تامین اجتماعی و اصلاحات مالیاتی) خواند. زوی دبره چهره معروف چپ فرانسه ضمن همبستگی با اعتصابگران، آنها را به

خاموشی چهره برجسته جهان تئاتر بسرلین»، «کوارتت»، «تراژدی ولادیمیر مایوکوفسکی» و... اعتبار و محبوبیتی چشمگیری یافت و در دو بخش آلمان به دریافت جوایز مهمی نائل آمد.

مرگ مولر تاسف را در میان محافل سیاسی و فرهنگی برانگیخت. باربارا برشت - شال، دختر برتولت برشت درگذشت مولر را یک شوک و یک تراژدی توصیف کرد. اشتفان هرملین، نویسنده نامدار آلمان گفت: «در جهانی که به سوگم‌کردگی، جماعت و کم‌افراط در تنگن دچار شده است، مولر به شیوه متعالی خویش ادامه دهنده حقیقی و انقلابی میراثی بزرگ بود». لافوتن، رهبر حزب سوسیال دموکرات آلمان مولر را جزو هنرمندان نادری دانست که نماد روندهای تاریخی معاصر آلمان بوده‌اند. و اینگیرید باخ، رئیس انجمن قلم غرب آلمان از مولر به عنوان چپی معترض یساد کرد که پس از فروپاشی سوسیالیسم بوروکراتیک نیز امید به ایجاد جهانی متفاوت را دست نداد.

فضیلت باز می‌دارد. به قول او: «زن با انتخاب حرفه مردانه، با درس خواندن و کار کردن همچون مردان، نه تنها با طبیعت زنانه خویش ناهمگونی می‌کند، بلکه بدان آسیب نیز می‌رساند».

اگر خدایانوان، همچون الگوهای طبیعی رفتارهای زنانه انگاشته شوند، در آن صورت زنی که ذاتاً آنتای عاقل یا آرتیمیس رقابت‌گر است، در مقام واقعیش دآوری می‌شود و هسان با خدایانوی خاص درون، به اصل خود وفادار می‌ماند. این زن، نه آن گونه که فریود مسی‌پنداشت، دارای عنصر نرینگیست و نه آن طور که یونگ فرض می‌کرد، ذهنیت مردانه دارد و با انیماس خویش همسانی می‌کند.

خاتم بولن می‌گوید: «نظریه جدیدی که در این کتاب بدان پرداخته‌ام، بر اساس وجود «کهن نمونه» هاست. مفهومی که یونگ وارد عالم روان‌شناسی کرد را رد نمی‌کند، اما تصور بر این است که این الگوها در برخی از زنان صدق می‌کند. در بخش‌های آرتیمیس، آتنا و هستیا، من الگوهای جدیدی پیشنهاد می‌کنم که از مفاهیم یونگ فراتر می‌روند».

مختاری هستند. بکارت این خدایانوان، اشاره به بخشی از روان زن دارد که تحت سلطه و تملک مرد در نمی‌آید و از تایید او بی‌نیاز است. گروه دوم، هرا با نام رومی ژونو، دیمیتز با نام رومی سرس و پرسه‌فون با نام رومی کوریای دوشیزه می‌باشند. این‌ها خدایانوان آسیب‌پذیر و مظهر نقش‌های سنتی زنان یعنی همسر، مادر و دختر هستند. آن‌ها رابطه گرایند، به نوری که هویت و سلامتشان مشروط به رابطه‌ای اساسی در زندگی‌شان است. آن‌ها تجلی نیاز زنان به پیوند و ارتباطند و از آن جا که خود را با دیگران هماهنگ می‌کنند، مورد تجاوز، سلطه و استیلا خدایان مذکور قرار گرفتند و از آنان رنج بسیار کشیدند و گاه به بیماری روانی دچار شدند. رنج، ذاتی این خدایانوان است. زنانی که با این خدایانوان احساس یگانگی می‌کنند، از هوشیاری پراکنده‌ای برخوردارند و نیز مستعد قربانی شدن هستند.

گروه سوم، آفرودیت یا ونوس، با نام رومی اورانوس، که خدایانوی عشق و زیبایی و کیمیاگری بوده است. او در میان خدایانوان، زیباترین و وسوسه‌انگیزترین و مظهر عشق و زیبایی و کشش‌های شهوانی و هوس بود و روابط بسیاری برقرار کرد و کودکان چندی به دنیا آورد. آفرودیت روابطش را خود برمی‌گزید و هرگز قربانی هیچ‌کس نشد. همچون خدایانوان پاک‌کره قادر به حفظ خودمختاری و همچون خدایانوان آسیب‌پذیر، در تداوم روابطش توانا بود و با هوشیاری، امکان رابطه دوجانبه را فراهم می‌آورد. نمونه آفرودیت، زنان را بر آن می‌دارد تا بیشتر در پی روابط خود باشند. زنان تحت تاثیر این خدایانوان، خلاقیت و تغییر و تحول را ارج می‌نهند.

در جوامع پدرسالار، نقش‌های پذیرفته شده برای زنان محدود به دوشیزه بودن (پرسه‌فون)، همسر بودن (هرا) و مادر بودن (دیمیتز) است. آفرودیت، «زن هرزه» و «اغواگر» است و هرای سرسخت و خشمگین نیز زنی «سلیطه» خوانده می‌شود، بسیاری از فرهنگ‌های گذشته و حال، آشکارا هوس و ذکاوت و امیال جنسی زنان را

مختاری هستند. بکارت این خدایانوان، اشاره به بخشی از روان زن دارد که تحت سلطه و تملک مرد در نمی‌آید و از تایید او بی‌نیاز است. گروه دوم، هرا با نام رومی ژونو، دیمیتز با نام رومی سرس و پرسه‌فون با نام رومی کوریای دوشیزه می‌باشند. این‌ها خدایانوان آسیب‌پذیر و مظهر نقش‌های سنتی زنان یعنی همسر، مادر و دختر هستند. آن‌ها رابطه گرایند، به نوری که هویت و سلامتشان مشروط به رابطه‌ای اساسی در زندگی‌شان است. آن‌ها تجلی نیاز زنان به پیوند و ارتباطند و از آن جا که خود را با دیگران هماهنگ می‌کنند، مورد تجاوز، سلطه و استیلا خدایان مذکور قرار گرفتند و از آنان رنج بسیار کشیدند و گاه به بیماری روانی دچار شدند. رنج، ذاتی این خدایانوان است. زنانی که با این خدایانوان احساس یگانگی می‌کنند، از هوشیاری پراکنده‌ای برخوردارند و نیز مستعد قربانی شدن هستند.

گروه سوم، آفرودیت یا ونوس، با نام رومی اورانوس، که خدایانوی عشق و زیبایی و کیمیاگری بوده است. او در میان خدایانوان، زیباترین و وسوسه‌انگیزترین و مظهر عشق و زیبایی و کشش‌های شهوانی و هوس بود و روابط بسیاری برقرار کرد و کودکان چندی به دنیا آورد. آفرودیت روابطش را خود برمی‌گزید و هرگز قربانی هیچ‌کس نشد. همچون خدایانوان پاک‌کره قادر به حفظ خودمختاری و همچون خدایانوان آسیب‌پذیر، در تداوم روابطش توانا بود و با هوشیاری، امکان رابطه دوجانبه را فراهم می‌آورد. نمونه آفرودیت، زنان را بر آن می‌دارد تا بیشتر در پی روابط خود باشند. زنان تحت تاثیر این خدایانوان، خلاقیت و تغییر و تحول را ارج می‌نهند.

در جوامع پدرسالار، نقش‌های پذیرفته شده برای زنان محدود به دوشیزه بودن (پرسه‌فون)، همسر بودن (هرا) و مادر بودن (دیمیتز) است. آفرودیت، «زن هرزه» و «اغواگر» است و هرای سرسخت و خشمگین نیز زنی «سلیطه» خوانده می‌شود، بسیاری از فرهنگ‌های گذشته و حال، آشکارا هوس و ذکاوت و امیال جنسی زنان را

## خاموشی چهره برجسته جهان تئاتر

هاینر مولر، شاعر، درام‌نویس و کارگردان معروف تئاتر آلمان که در عرصه جهانی نیز نام و آوازهای داشت، در روزهای پایانی سال میلادی گذشته در سن ۶۶ سالگی درگذشت. مولر که از پیروان برجسته سبک تئاتری برتولت برشت بود در درام‌نویسی و کارگردانی تئاتر و مهارتی کم‌نظیر داشت، به گونه‌ای که پیش از فرو ریختن دیوار برلین هنر تئاتر در هر دو بخش آلمان را تا حدود زیادی تحت نفوذ خود گرفته بود و در سمت و سو دادن به آن نقش ارزنده‌ای ایفا کرد.

مستخصان تاریخ و جامعه‌شناسی و امروزه روان‌شناسی، در اسطوره‌ها، به حقایق شگرفی دست یافته‌اند. بخش عمده دانش اسطوره‌شناسی امروزه، مرهون کشف گنجینه عظیم یافته‌های میان‌رودان و دشت شوش در اوایل قرن بیستم است که از تمدن‌های گوناگون باستانی ایران حکایت دارد. نویسنده از آن جا که در غرب بزرگ شده است، دیدگاه خود را تنها به اسطوره‌های غربی (یونانی و رومی) معطوف می‌کند و از خدا بانوان مشرق زمین غافل می‌ماند.

اما می‌توان چنین انگاشت که اساس این خدایانوان و تاریخ‌شان مشترک است، چرا که خواننده خود را با آن یگانه می‌بیند و شخصیت او را می‌شناسد.

مولر برپای دیوار برلین، به نوشتن درام‌ها و نمایشنامه‌های انستقادی همچون «کوچ‌کننده یا زندگی در روستا» روی آورد، کاری که به اخراج وی از اتحادیه نویسندگان آلمان شرقی انجامید. بعدتر مولر دوباره به عضویت این اتحادیه پذیرفت شد و با آثاری همچون «نیرد»، «تراکتور»، «مرگ آلمان در



# ایران به انرژی اتمی نیاز ندارد

سهراب مشری

زغال‌سنگ و نفت است که تازه کنترل اکثر منابع شناخته شده در آن زمانش هم در دست جهان صنعتی نبود. کشورهای مانند فرانسه، به تدریج بخش اعظم نیاز خود به الکتریسیته را به انرژی هسته‌ای متکی کردند. یک شاخه کامل صنعت به «استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای» اختصاص یافت. البته این را نیز باید افزود که در آغاز، به ویژه هنگامی که قیمت نفت بسیار ناچیز بود، انرژی هسته‌ای در قیاس با سایر منابع انرژی، نه تنها چندان ارزان هم نبود، بلکه گران‌تر هم تمام می‌شد. اما بسیاری از دولت‌ها، سرمایه‌گذاری در این انرژی را به دلایل نظامی و یا در چارچوب استراتژی انرژی خود، ضروری می‌دانستند و با اختصاص بودجه دولتی به تحقیقات هسته‌ای، با وضع مالیات سنگین بر مواد نفتی و صدور آسان مجوز احداث تأسیسات هسته‌ای، به رشد سریع این شاخه از صنعت کمک می‌کردند. هر کس که با تکنولوژی هسته‌ای آشنایی داشته باشد، می‌داند که استفاده «صلح‌آمیز» از انرژی هسته‌ای، می‌تواند به سادگی در خدمت تولید سلاح هسته‌ای قرار گیرد. هم از این رو است که سازمان ملل، «آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای» را ایجاد کرده که در این مستقر است و مهم‌ترین وظیفه‌اش کنترل تأسیسات هسته‌ای و چگونگی استفاده از موادی مانند پلوتونیوم یا اورانیوم غنی شده است که می‌تواند در خدمت تولید بمب اتمی قرار گیرد.

بدین ترتیب در حالی که پنج کشور جهان علناً و چند کشور دیگر در خفا درگیر یک مسابقه تسلیحاتی هسته‌ای ده‌ساله شدند، شمار بیشتری از کشورهای به استفاده «مسالمت‌آمیز» از انرژی اتمی روی آوردند. این استقبال از تکنولوژی هسته‌ای، تا اواخر دهه هفتاد ادامه داشت و کشورهای مانند ایران را نیز دربرگرفت. رژیم شاه، سازمان انرژی اتمی را به ریاست یک معاون نخست‌وزیر ایجاد و پروژه نیروگاه اتمی بوشهر را آغاز کرد. قطعاً جاه‌طلبی‌های نظامی شاه نیز در این تصمیم مؤثر بود. در آن زمان غرب به این بلندپروازی‌های حکومت ایران با نگرانی برخورد نمی‌کرد و شاید در خفا، مخالفتی هم با تجهیز یکی دیگر از متحدانش به سلاح‌های اتمی نداشت.

چند عامل از نیمه دوم دهه هفتاد به تدریج به رویاهایی که استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای ایجاد کرده بود، پایان داد: نخست، بسیاری سوانح و بیماری‌های مرگباری که در نیروگاه‌های اتمی پیش آمده بود. در آغاز، گرداندگان صنعت اتمی توانستند این حوادث را مخفی نگه دارند. اما نمونه‌هایی که در رسانه‌ها بازتاب می‌یافت، بیشتر و بیشتر شد. نام نیروگاه‌هایی مانند هاریسبورگ آمریکا به سمبل سناریوی هولناکی که می‌تواند در یک نیروگاه هسته‌ای و یا اطراف آن به وقوع بپیوندد، تبدیل گردید. دوم، انباشته شدن زباله‌های اتمی که مسئله چگونگی و کجا انبار کردنشان پیوسته حادث‌تر شد. هرچاکه صنعت اتمی برای انبار کردن این زباله‌های خطرناک در نظر گرفت، مردم منطقه به مقاومت و اعتراض برخاستند. با کشف مواردی از حمل و انباشتن مخفیانه این زباله‌ها، حساسیت مردم بیشتر شد. در بسیاری از کشورهای صنعتی، جنبش‌های ضد هسته‌ای شکل گرفت. این جنبش‌ها در طول دهه هشتاد به شکل‌گیری احزاب سبز انجامیدند که اکنون بخشی غیرقابل تفکیک از حیات سیاسی بسیاری از کشورها را تشکیل می‌دهند. سوم، اوج‌گیری مخالفت با سلاح‌های هسته‌ای که به علت ارتباط تنگاتنگ تکنولوژی نظامی و غیرنظامی هسته‌ای، از آهنگ رشد صنعت اتمی کاست، چراکه این صنعت تا آن زمان، «اقتصادی» بودن خود را تا حدی مدیون «تسلمات جنبی» نظامی خود بود. وقتی روند بین‌المللی کنترل و کاهش سلاح‌های هسته‌ای آغاز شد، تأثیر محدودکننده خود را بر صنعت انرژی اتمی نیز گذاشت.

اما یک شک مهم‌ترین ضربه هیجان‌کننده، فاجعه‌ای بود که در نخستین ماه‌های روی کار آمدن گاربارف در شوروی در اوکراین روی داد. در آن زمان هنوز «علیت» در شوروی تا آن حد نبود که ابعاد این حادثه بلافاصله آشکار شود. تا چند روز پس از انفجار در چرنوبیل، جهان خیر نداشت که در این نیروگاه، «بزرگترین سانحه قابل فرض» که مدافعان انرژی هسته‌ای سال‌ها می‌گفتند رخ می‌دهد. به وقوع پیوسته بود. اکنون که بیش از ده سال از فاجعه چرنوبیل می‌گذرد، می‌دانیم که تاکنون ده‌ها هزار نفر جان خود را بر اثر این واقعه از دست داده‌اند و ده‌ها هزار نفر دیگر، چه آن‌ها که هنوز زنده‌اند و چه کودکانی که در آینده به دنیا خواهند آمد، با تأثیرپذیری خود یا میراث ژنتیکشان از اشعه مرگبار هسته‌ای، محکوم به مرگ زودرس‌اند.

ارزش اقتصادی زندگی یک انسان چقدر است؟ کمتر کسی در ملاً عام درباره این سوال بحث می‌کند. اما در محاسبات طراحان استراتژی انرژی کشورهای صنعتی، دعوات باید چنین سوالاتی نیز مطرح باشد. شرکتی که از یک نیروگاه هسته‌ای بهره‌بردار می‌کند، در کشوری که شهروندانش در صورت آسیب دیدن از اشعه اتمی حق اقامه دعوا دارند، باید با محاسبه احتمالات و حجم مطالباتی که ممکن است با آن مواجه شود، «اقتصادی» بودن یا نبودن انرژی هسته‌ای را تعیین کند. هر چه افکار عمومی نسبت به این مسئله حساس‌تر و میزان آگاهی از فجایع ممکن بیشتر باشد، «ریسک» اقتصادی انرژی هسته‌ای بیشتر است. علاوه بر اینکه در چنین کشورهایی، تحت تأثیر موفقیت‌های انتخاباتی احزاب سبز، احزاب سنتی نیز همگی کمابیش «سبز» شده‌اند و پارلمان‌ها و سایر نهادهای وضع‌کننده قوانین و مقررات ناظر بر صنعت هسته‌ای، تدابیر ایمنی در تأسیسات اتمی را بیشتر (و گران‌تر) کرده‌اند.

در نتیجه این روند، بسیاری از تولیدکنندگان دولتی و خصوصی انرژی در اروپا، به تکنولوژی هسته‌ای دیگر به مثابه یک رشته «آینده‌دار» نمی‌نگرند. در برخی از

کشورها، دیگر مسئله استفاده یا عدم استفاده از انرژی هسته‌ای مورد بحث نیست، بلکه چگونگی و زمان خاموش کردن نیروگاه‌های هسته‌ای است که مورد بحث است. در کشورهای مانند آلمان که خود دارای منابع زغال سنگ‌اند، نیروگاه‌های اتمی یکی پس از دیگری از شبکه برق خارج می‌شوند. بین احزاب آلمان در مورد زمان‌بندی حذف انرژی هسته‌ای اختلاف وجود دارد و برخی از نیروهای راست هنوز به حذف کامل این منبع انرژی معتقد نیستند، اما چه این احزاب بخوانند و چه نخواهند، خود صنعت انرژی آلمان به تدریج تکنولوژی هسته‌ای را ترک می‌کند. حتی در کشوری مانند سوئد نیز که به شدت وابسته به واردات مواد سوختی است، در یک رفراندوم، مردم به خاموش کردن نیروگاه‌های هسته‌ای رای داده‌اند. هرچند اخیراً در سوئد اعلام شد برنامه زمانی پیش‌بینی‌شده در این رفراندوم، قابل اجرا نیست، اما می‌توان اطمینان داشت که صنعت اتمی در سوئد دیگر گسترش نخواهد یافت.

## انرژی اتمی برای ایران؟

البته پاسخ همه کشورها به مسئله انرژی هسته‌ای یکسان نیست. به ویژه کشورهایی مانند فرانسه که در آنها جنبش حفظ محیط زیست، به گستردگی آلمان نیست، بخش اعظم برق خود را همچنان از نیروگاه‌های هسته‌ای می‌گیرند. بدون شک، صرف مخالفت با انرژی هسته‌ای راه‌گشای کشورهایی که از سایر منابع خود قادر به تأمین نیازهای انرژی خود نیستند، نخواهد بود. در ازای انرژی هسته‌ای، باید منابعی دیگر یا امکانات عملی کاهش مصرف انرژی یافته شود. راه‌حلی که برای کشورهای مختلف برای کاستن از وابستگی به نیروی اتم یافته می‌شود، و به ویژه آهنگ کاستن از این وابستگی، یکسان نخواهد بود.

تاکنون «مسئله انرژی» در ایران مطرح نشده است. ایران، دارای منابع سربار نفت و گاز است. بهای فرآورده‌های نفتی در ایران، هنوز علیرغم چندبرابر شدن آن در سال‌های اخیر، در حدود یک پنجاهم بهای آن در کشورهای اروپای غربی است. اگر درآمد متوسط مصرف‌کننده ایرانی، با نرخ‌های فعلی ارز، یک دهم در آمد مصرف‌کننده اروپایی باشد، هنوز نسبت یک به پنجاه در مورد محصولات نفتی، با نسبت درآمدها فاصله زیادی دارد. این در حالی است که از نظر کارشناسان، قیمت فرآورده‌های نفتی در اروپا باید به دو تا سه برابر سطح فعلی افزایش یابد تا پاسخگوی ارزش واقعی آن و به ویژه آسیب‌هایی باشد که سوختن مواد نفتی به محیط زیست وارد می‌آورد.

نتیجه آنکه در کشوری مانند ایران که با محصولات نفتی عملاً مانند یک منبع رایگان رفتار می‌شود، عملاً مسئله‌ای به نام مسئله انرژی احساس نشده است. تنها سال گذشته بود که وزیر نفت جمهوری اسلامی در توجیه گران کردن کالاهای نفتی هشدار داد که حدود ۱۰ سال دیگر، تولید داخلی نفت ایران تنها پاسخگوی نیاز داخلی خواهد بود، مگر آنکه مصرف داخلی به میزان قابل توجهی کاهش یابد.

بدون تردید، رشد اقتصادی ایران با افزایش سریع مصرف انرژی در کشور همراه خواهد بود. و در اینکه حل معضلات اجتماعی در کشور ما، بدون رشد اقتصادی امکان‌پذیر نیست، تردیدی وجود ندارد. بنابراین، «مسئله انرژی» اگر هم تاکنون به علت سیاست‌های کوته‌بینانه رژیم‌های سلطنت و قاجات، مورد بی‌اعتنایی بوده است، از این پس باید مورد توجه قرار گیرد. هر دولتی که در ایران زمام امور را در دست باشد، باید استراتژی دوگانه‌ای را در مورد انرژی در پیش گیرد: اولاً محدود کردن افزایش مصرف انرژی، و ثانیاً افزودن منابع جدید بر منابعی که تاکنون بخش عمده نیاز انرژی کشور از آن تأمین شده است.

جمهوری اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست و به نحوی، هر دو وجه از این استراتژی انرژی را اجرا می‌کند: دولت برای کاستن از مصرف انرژی، آسان‌ترین راه را برگزیده است: گران کردن محصولات نفتی که البته هدف مقدم آن، حل مشکلات مالی دولت است. این سیاست نیز مانند سایر سیاست‌های اقتصادی جمهوری اسلامی، بار یک معضل را به دوش اکثریت محروم جامعه منتقل می‌کند. در سیاست‌های جمهوری اسلامی، به آنچه که کمتر بهایا داده می‌شود، سرمایه‌گذاری در شیوه‌های صرفه‌جویی انرژی و ایجاد انگیزه برای کاربرد این شیوه‌هاست. برای نمونه می‌توان به طرق مختلف و مثلاً با کاهش عوارض و مالیات، بهبود ابزارآلاتی ساختن‌ها را تشویق کرد. می‌توان به جای سود بردن از واردات اتمیل‌های کربن، شبکه عمومی حمل و نقل شهری و غیرشهری را بهبود بخشید. می‌توان با سرمایه‌گذاری در شبکه مخابرات، از رفت و آمدهای زائد اداری و تجاری کاست. در کنار این اقدامات، البته حذف سوبسید کلانی که بابت محصولات نفتی پرداخته می‌شود، ضروری است، اما فشاری که این اقدام به محروم‌ترین اقشار وارد می‌کند، باید از طرق دیگر، مانند کاستن از مالیات و عوارضی که این اقشار به دولت می‌پردازند، جبران شود.

ایران تاکنون برای تأمین انرژی مورد نیاز خود، عمدتاً به منابع نفت خوزستان متکی بوده است. این منابع، رو به پایان‌اند و بهره‌برداری از آنها پیوسته گران‌تر تمام می‌شود. جمهوری اسلامی برای یافتن منابعی دیگر، دست به یک رشته اقدامات زده است که از جمله عبارت است از:

گسترش شبکه گازرسانی و نیروگاه‌های گازی؛ از آنجا که منابع گاز ایران در مقایسه با منابع نفت، تقریباً دست‌نخورده است، و از آنجا که سوخت گاز برای جو عوارض منفی کمتری در قیاس با سایر سوخت‌های فسیلی دارد، استفاده بیشتر و بهتر از گاز طبیعی باید بخشی از استراتژی

انرژی ایران باشد. دو رژیم شاه و جمهوری اسلامی، بسیار کندتر از آنچه می‌بایست این سیاست را اجرا کرده‌اند. متجاوز از دو دهه گذشته تا پایتخت ایران دارای شبکه تقریباً سراسری گاز شد. شبکه گاز کشور هنوز به لحاظ میزان پوشش و ایمنی، نیازمند سرمایه‌گذاری و توجه بیشتر است.

جستجوی منابع تازه نفت: جمهوری اسلامی می‌خواهد این سیاست را به طور کوتاهمدت اجرا کند و بدین منظور حاضر است به شرکت‌های نفتی غربی، امتیازات قابل توجهی بدهد. تحریم ایران توسط آمریکا، که با لغو قرارداد استخراج نفت با شرکت کونوکو آغاز شد، بر سر راه این سیاست جمهوری اسلامی، موانعی جدی ایجاد کرده است. در مقابل، جمهوری اسلامی که در صورت عدم دستیابی هر چه سریع‌تر به منابع جدید نفتی، به علت کاهش درآمدهایش از محل منابع بالفعل نفت ایران، شرایط حیات خود را در خطر می‌بیند، نسبت به دشوارتر شدن معامله با شرکت‌های نفتی در شرایط تحریم، با چوب حراج زدن به منابع ملی ایران واکنش نشان می‌دهد. وزارت نفت جمهوری اسلامی، به مسابقه بین‌المللی بالفعل کردن هر چه زودتر منابع جدید نفت پیوسته و برای استفاده از تخصص و امکانات شرکت‌های نفتی در این زمینه، در صورت امکان به شرایطی مانند شریک کردن پنجاه در صدی شرکت‌های نفتی در منابع ایران تن خواهد داد. شرکت‌های نفتی غربی که از موقعیت جمهوری اسلامی به خوبی آگاهند، می‌کوشند از تهران امتیازات هر چه بیشتری بگیرند. روی خوش نشان ندادن آنها به کنفرانس اخیر نفت در تهران را نیز باید از یک سو و همین راستا و از سوی دیگر، نتیجه در دستور قرار گرفتن طرح تحریم مضاعف در سنای آمریکا ارزیابی کرد. نیروهای ملی و دمکرات، باید به حراج گذاشتن منابع نفت ایران را محکوم کنند. این منشی از سوی جمهوری اسلامی تنها و تنها برای گریز از تنگنای حاد مالی کنونی به اجرا گذاشته شده و عاری از هرگونه دوراندیشی و برخورد استراتژیک به مسئله انرژی است. جز تلاش برای دستیابی کوتاهمدت به دلارهای نفتی، هیچ دلیلی وجود ندارد که در اکتشاف منابع جدید نفتی، شتاب بیش از حد نشان داده شود. احداث نیروگاه‌های آبی: جمهوری اسلامی با همکاری برخی از شرکت‌های غربی مانند ژیمنس، پروژه‌هایی را برای بهره‌برداری از سد‌ها جهت تولید برق به اجرا گذاشته است. احداث چند سد بزرگ، رو به اتمام یا در جریان است. ضمن اینکه ایران با داشتن کوهستان‌های مرتفع، می‌تواند و باید بیشتر از انرژی آبی استفاده کند، بیم آن می‌رود که پروژه‌های سدسازی

جمهوری اسلامی، بدون توجه و مطالعه کافی درباره عواقب اکتولوژیک سدسازی انجام پذیرد. در جهان، تجربیات منفی فراوانی مانند سد آسان در مصر وجود دارد که حاکی است سدهای عظیم، گاه صدمات غیرقابل جبران به محیط زیست وارد می‌کنند. با این حال، در صورت استفاده بیشتر از رودخانه‌های برای تأمین آب و برق در ایران، تردیدی نیست و سرمایه‌گذاری‌ها در این زمینه باید افزایش یابد.

تلاش برای ادامه برنامه هسته‌ای رژیم شاه: هدف مقدم در این سیاست، اتمام پروژه نیروگاه بوشهر است. شرکت آلمانی زیمنس که طبق قرارداد، موظف به اجرای این پروژه بود، تا هنگامی که جنگ ایران و عراق ادامه داشت، می‌توانست با دستاویز قرار دادن نظرات در منطقه جنگی، از ادامه کار سر باز زند. پس از جنگ، جمهوری اسلامی به تلاش دیپلماتیک گسترده‌ای برای بازگرداندن آلمانی‌ها به بوشهر دست زد. اما زیمنس و دولت آلمان درست در شرایطی که از سوی آمریکا و اسرائیل به علت همکاری با عراق مورد انتقاد قرار گرفته بودند، پس از چند سال دفع‌الوقت، با‌الخره ناچار شدند به جمهوری اسلامی بپذیرند که دیگر نباید انتظار ادامه همکاری هسته‌ای با آلمان را داشته باشد. هیچگاه اعلام نشده که از این بابت، ایران متحمل لطمه مالی نیز شده است یا نه. بعید است که زیمنس در انعقاد قرارداد اولیه، امکان عقب‌نشینی از این پروژه را به نحوی که خود متحمل ضرر زیادی نشود، بگنجانده باشد.

جمهوری اسلامی پس از ناامید شدن از امکان ادامه پروژه بوشهر با کمک آلمان، به کشورهای دیگر روی آورد و عاقبت با روسیه در مورد تکمیل این پروژه به توافق رسید. دولت روسیه تاکنون علیرغم فشار آمریکا برای لغو این قرارداد بر موضع خود مبنی بر اجرای همکاری هسته‌ای با جمهوری اسلامی پافشاری کرده است. این همکاری به تکمیل نیروگاه بوشهر محدود نمی‌شود و شامل تحویل تجهیزات دیگر اتمی مانند رآکتورهای تحقیقاتی نیز خواهد شد. مسکو تنها در مورد یک دستگاه سانتریفوژ که ممکن است از طریق غنی کردن مواد رادیوآکتیو در خدمت تولید بمب اتم قرار گیرد، به آمریکا قول مساعد داده و ظاهراً حاضر است از فروش این دستگاه به ایران صرف‌نظر کند.

## سرنوشت نیروگاه‌های بوشهر

رژیم شاه در چارچوب جاه‌طلبی‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی خود در ۲۸ آبان‌ماه ۱۳۵۳ با شرکت آلمانی کرافت‌ورک اونیون (ک.ا.و.) که بعدها به مالکیت زیمنس درآمد، قرارداد احداث دو نیروگاه عظیم هسته‌ای در بوشهر را امضا کرد. عملیات اجرایی این پروژه تنها کمتر از ده ماه بعد یعنی در ۱۰ شهریورماه ۱۳۵۴ با شتاب بسیار آغاز شد و تا هنگام انقلاب، تا میزان ۸۰ و ۵۰ درصد کار ساختمان دو نیروگاه پیش رفت. اینک یکی از دلایلی که برای تکمیل این پروژه عنوان می‌شود، حجم سرمایه‌گذاری دولت ایران است.

در ۱۷ سال اخیر، تأسیسات نیمه‌تمام بوشهر در معرض فرسایش بوده‌اند. هرچند جمهوری اسلامی می‌گوید کارشناسان ایرانی از این مجتمع، نگهداری کرده‌اند، اما هر ساختمان معمولی که چنین مدت طولانی پایان نیافته رها







## میزگرد سیاسی

قسمت اول

عزت‌الله سحابی، حبیب‌الله پیمان، ابراهیم یزدی، پیروز دوانی

در اوایل خرداد ۱۳۷۴، به ابتکار و تلاش و با شرکت دکتر حبیب‌الله پیمان، دکتر ابراهیم یزدی، مهندس عزت‌الله سحابی و پیروز دوانی، میزگردی پیرامون علل وجود نابسامانی‌ها در جامعه و چگونگی رفع بحران عمومی جامعه برگزار گردید. ولی مطالب آن میزگرد هیچگاه اجازه انتشار نیافت. شرکت‌کنندگان در میزگرد، بعداً مطالب «میزگرد» را مورد بازبینی مجدد و دقیق‌تری قرار داده و تصمیم به انتشار آن گرفتند. متن این میزگرد در مهرماه ۱۳۷۴ منتشر شد. در زیر بخش اول این میزگرد و در شماره‌های آتی نشریه بخش‌های بعدی آن را مطالعه می‌کنید. به علت کمبود جا بخش‌هایی از اظهارات شرکت‌کنندگان در میزگرد حذف شده است.

سؤال اول: صمیمانه از شرکت شما در این میزگرد خوشحال و از این بابت متشکریم. اکنون هفده سال از انقلاب بهمن ۵۷ گذشته است، انقلابی که در آن شعارهای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی به صورت فراگیر مردمی مطرح شده بود. اینک جامعه ما در مواجهه با فراز و نشیب‌های بسیار با انبوه مشکلات روبرو است. فقدان نهادهای مدنی، فقدان استراتژی در غالب زمینه‌ها، رشد بالای جمعیت، سقوط پیایی ارزش پول ملی، تورم، قرضه خارجی، فرار سرمایه‌ها، آلودگی محیط زیست و بسیاری از معضلات دیگر. برای شروع، این پرسش را مطرح می‌کنیم که شما به عنوان افرادی که به صلاح مملکت و بهروزی جامعه و سعادت مردم توجه دارید و می‌اندیشید، تصور می‌کنید مهم‌ترین اقدام و یا حداقل اولین گام برای آغاز رفع این نابسامانی‌ها چیست؟

آقای دکتر ابراهیم یزدی: من از خود آرمانهای انقلاب شروع می‌کنم. از سه آرمان بزرگ انقلاب که در سه شعار اساسی ملت تبلور پیدا کرده بود: آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی ایران، آزادی‌های سیاسی رکن اساسی است. تا ملت ما آزادی‌های اساسی نظیر آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعات، آزادی نطق و بیان، آزادی اظهار عقیده را نداشته باشد، اصلاً نمی‌توانیم راجع به تعریف نابسامانی‌ها به توافق برسیم. زیرا در شرایط بسته سیاسی طبیعی است که حاکمیت از عملکرد خودش دفاع می‌کند و حتی بر روی مشکلات و نابسامانی‌ها سرپوش می‌گذارد. یا آنها را واژگونه جلوه می‌دهد. بنابراین برای اینکه بتوان قدم اول در جهت پیدا کردن راه‌حل‌های اساسی برای مشکلات مملکت را برداشت هیچ راهی نیست جز اینکه جامعه از نظر سیاسی باز شود و حقوق و آزادی‌های اساسی که به موجب قانون اساسی در فصل سوم تضمین شده‌اند، تأمین گردند، روزنامه‌ها، مطبوعات و صاحبان نظر بتوانند مشکلات و مسایل را در یک جو آزاد بررسی کنند. این یک ضرورت اساسی است. علت اصلی بحران‌های کنونی در کشور ما حاکمیت گروهی انحصارطلب است که اصول مربوط به حاکمیت و حقوق ملت مطرح در قانون اساسی را نادیده گرفته و امکانات را به طور انحصاری در اختیار طرفداران حاکمیت قرار داده است. حل این بحران‌ها در گرو تأمین حقوق و آزادی‌های اساسی مردم و تحقق حق حاکمیت ملت می‌باشد. هر یک از بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ریشه‌ها و دلایل خاص خود را دارد. شرط یا گام اول برای یافتن راه حل هر یک از این بحران‌ها، حل یا تخفیف بحران سیاسی است. بحران سیاسی حاصل نادیده گرفتن اصول مطرح در قانون اساسی کشور خصوصاً اصول مندرج در فصل سوم - حقوق ملت - می‌باشد. تخلف آشکار و مکرر از اصول قانون اساسی و نادیده گرفتن بخش‌هایی از آن، ریشه بحران سیاسی کنونی است. به محض این که حاکمیت قدم‌هایی برای حل این بحران بردارد، و صادقانه قصد و اراده خود را در تمکین از این اصول نشان دهد، شرایط مناسب برای مشارکت همه صاحبان نظر علاقه‌مند به ایران و وفادار به آرمان‌های انقلابی و جمهوری اسلامی در یافتن راه‌حلهای مناسب بحران‌های دیگر، از جمله اقتصادی، به وجود خواهد آمد. در واقع هنگامی که حاکمیت با پذیرفتن حق فعالیت آزاد احزاب و گروه‌های مخالف اما وفادار به قانون اساسی، و اعلام آن، راه را برای آشتی ملی باز کند، قدم اولیه برای یافتن راه حل بحران‌های اقتصادی نیز برداشته شده است. ما هر کار ممکن را انجام می‌دهیم تا آرمان نخستین انقلاب، یعنی آزادی‌های سیاسی تحقق پذیرد. این یک موضوع کلیدی در کشور ما می‌باشد. ما برای تکثیر سیاسی سیستم چند حزبی، انتخابات باز و آزاد تلاش می‌کنیم. گرچه در حال حاضر احتمال اجرایی آنها بسیار ضعیف است. زیرا حاکمیت و مسئولان، چه روحانی و چه غیر روحانی، همه آنها را که اداره امور کشور را در دست دارند، هوز برای قبول و تحمل مخالفین آماده نیستند. آنها ممکن است مخالفت فردی برخی از افراد را تحمل کنند، اما نه گروه‌های سیاسی مخالف را، برخی از آنها به نوعی درک کرده‌اند که حضور نیروی مخالف اهمیت دارد اما هنوز حاضر به پرداختن بهای آن نیستند. من فکر می‌کنم نگرانی آنها بی‌اساس باشد. اگر کسی به دقت ساختار اجتماعی جامعه را بررسی کند، با وجد آن که تجربه بعد از انقلاب برای اکثریت مردم بسیار تلخ است، اما در یک انتخابات آزاد، که همه احزاب سیاسی هم شرکت کنند، آنها «حاکمیت»، هنوز اکثریت مجلس را خواهد داشت. حاکمیت نیز خود چنین ادعایی را دارد. احتیاج عمده ما با حاکمیت کنونی هم این است که پس چرامی‌ترسید؟ شما هنوز اکثریت را دارید. البته من

نمی‌توانم آینده را تعیین کنم. اما اگر حاکمیت رویه کنونی را ادامه دهد، ممکن است همه چیز را از دست بدهد. در واقع ما به آنها می‌گوییم اشتباه شاه را تکرار نکنید. شاه زمانی اعلام کرد که مردم صدای انقلاب شما را شنیدیم، که دیگر بسیار دیر شده بود. اگر امروز حاکمیت این نظر را بپذیرد و فعالیت احزاب سیاسی مخالف را تحمل کند، اصول مطرح در قانون اساسی را به اجرا بگذارد، من فکر می‌کنم، ممکن است در یک انتخابات آزاد قدرت را از دست بدهد اما به عنوان یک نیروی سیاسی مهم و تعیین‌کننده باقی خواهد ماند.

آقای مهندس عزت‌الله سحابی: من نیز با این نظر که قدم اول برای رفع نابسامانی‌ها باید باز شدن فضای سیاسی باشد موافق هستم. منتهی من فکر نمی‌کنم این قدم کافی باشد و یا تمام مسایل را حل بکند. همان طوری که آقای دکتر یزدی گفتند اگر فضا آزاد نباشد طبیعی است که صاحبان نظر نمی‌توانند حرف‌شان را آزاد بگویند و آزاد نگفتن حرف‌ها منجر می‌شود که دست حاکمیت کم باز باشد که هر کاری که به عقل خودش می‌رسد انجام دهد. هیچگونه مراقبتی، نظارتی، تغییر و بالاخره اصلاحی از جانب مردم یا اهل فکر روی اعمال دولتمردان صورت نگیرد. بنابراین من هم این را تأیید می‌کنم که قدم اول همین است که فضا باز شود. منتهی می‌خواهم عرض کنم که باز شدن فضا یک امر مکانیکی نیست. یعنی چنان نیست که کلیدی را بزنند و یک دفعه فضا باز شود و همه مردم، احزاب و گروه‌ها بیایند روی صحنه و خیلی سالم حرف‌هایشان را بزنند. و کار مملکت و امور اساسی ملت هم خود به خود پیش رود. هدف آن نیست که عده‌ای، زیاد یا کم فقط حرف بزنند، بلکه منظور و مطلوب این است که در یک بستر آزاد و خالی از ترس و دغدغه و عدم امنیت، صاحبان رای و نظر حضوری فعال داشته باشند، یعنی مرتباً از مسائل و امور ظاهر و پنهان کشور مطلع و در جهت تحلیل، نقد، ارزیابی، اصلاح و روش‌ها و عملکردها و حتی پیش‌های حاکمان فعال و مؤثر باشند و این مستلزم آن است که آزادی نقد به تدریج نهادینه شود، یعنی با آزادی انتقاد، انتقادها اثر هم بکند و این یک جریان رایج و جاری شود. به این جهت است که می‌گوییم باید نهادهای حضور مردم در غالب جمعیت‌های صنفی، اجتماعی و سیاسی یا مواضع و عقاید مشخص و حدود مسئولیت و اختیارات قانونی با بگیرند و در زندگی اجتماعی و نظام سیاسی رسوخ نمایند و مردم و طبقات و گروه‌بندی‌های جامعه، منجمد دولت‌ها، به یک زندگی مدنی خو بگیرند. اینها همگی ابعاد و لوازم آزادی هستند. و بدین ترتیب باز شدن فضا به تدریج ایجاد می‌شود و به نظر بنده همان تدریجی مطلوب است. یعنی بایستی در باز شدن فضا خود نیروها هم فعال و مسئول و مؤثر باشند و به تدریج باید طی مراحل از آزادی‌های مقدماتی به سوی آزادی‌های پیشرفته و کامل حرکت کرد. هیچ حاکمیت غیرمردمی تا آن زمان که با مشکلات بن‌بست‌گونه برنخورد هرگز با میل خودش راضی نیست که فضا را باز کند. یعنی برای خودش مانع برتراند و به مخالفینش میدان بدهد که قدرت بیایند تا مزاحمت بشوند. حتی حاکمیت‌های بسیاری از کشورهای جهان سومی اینکار را نمی‌کنند. بنابراین اگر نیروها، اشخاص و نله‌های فکری داخلی بخواهند به این امید بنشینند که یک روزی حاکمیت به قول خودشان سر عقل بیاید و فضا را به طور شایسته و مطابق قانون اساسی باز بکند، چنین چیزی صورت نمی‌گیرد. باید آزادی یا فضای باز را گرفت، یعنی ایجاد کرد. همان جور که ما در زندگی شخصی و اجتماعی‌مان، اگر عقیده‌ای محکم داشته باشیم، از هر طریق ممکن آن را پیش می‌بریم، یعنی اگر از یک طرف جلوبان را ببندند از در دیگری وارد می‌شویم. من عرض این است که آزادی را باید گرفت. اگر حاکمیت الان اجازه نمی‌دهد راجع به برخی از مسایل اصلاً حرف بزنید، همان حد که اغماض می‌کند باید حرف بزنید، یعنی دهنها بسته نشود. همیشه حاکمیت‌های به اصطلاح اختیاتی

و استبدادی فردی، چپ یا راست، همه از این فضای روانی که در جامعه ایجاد می‌شود و مردم دهن‌هایشان یخ می‌بندد، خیلی استفاده می‌کنند. یعنی رعب ایجاد می‌شود و مردم خودسانسوری می‌کنند. بنده عرض می‌کنم که اگر تسلیم این یخ بستگی دهنها نشویم و آنچه را که می‌شود گفت، بگوییم. این خود موجب باز شدن تدریجی فضا خواهد شد. دوم اینکه ما آن طرف قضیه را نگاه کنیم. اگر فرض کنیم به طور مکانیکی یک حاکمیتی به دلایلی فضا را باز کند واقعاً آن روز به نظر من اول از همه عزای نیروها و احزاب خواهد بود. چرا؟ برای اینکه این نیروهایی که مدت ده - پانزده سال و ۲۰ - ۳۰ سال از متن جریانات کنار بوده‌اند، در هیچ مسئله‌ای اجتماعی سیاسی به جز همان شعار آزادی فضای سیاسی حرف جدی دیگری نزنده‌اند، چیزی تجربه نکرده‌اند، دانش نیندوخته‌اند، از تجربه بشری استفاده نکرده‌اند، حالا همین که فضا باز شود این گونه افراد بیایند جلو. به نظر من اینها حرفی برای گفتن نخواهند داشت و آن موقع است که مردم دلسرد می‌شوند. مردم از این باز شدن فضا خیری نخواهند برد. من برای نمونه عرض می‌کنم در سال اول انقلاب انصافاً فضای حقیقتاً بازی وجود داشت از آنجا که آن موقع من در جریان شورای انقلاب بودم این مسایل را تعقیب می‌کردم. یک وقتی در حوالی خرداد ۵۸ متوجه شدم که نزدیک هشتادتا روزنامه و مجله در حال نشر است که ۷۳ یا ۷۴ تا آنها ضد حاکمیت آن زمان بودند. باور کنید برای اینکه یک نشریه معتبری که مثلاً از انقلاب دفاع کند منتشر شود خیلی رفت و آمد شد، خیلی کار شد، پول از مردم جمع کردند، چند بار شکست خورد، چاپخانه پیدا نشد تا این که آن موقع روزنامه «انقلاب اسلامی» درست شد. همه روزنامه‌ها متعلق به مخالفین بودند ولی آیا آن فضایی که مخالفین ایجاد کردند و روزنامه‌های را به وجود آوردند، به حفظ و حراست و با ادامه و استمرار انقلاب و فضای آزاد کمک کرد؟ چرا؟ از نظر من یک دلیل آن این بود که تمام این گروه‌هایی که آمده بودند، مدت ۲۵ سال از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ همه از کنار گود نسبت به مسایل اجتماعی - اقتصادی و سیاسی - فرهنگی حرف زده و عادت کرده بودند که به همه مسایل به طور خیلی کلی و شعاری برخورد کنند. چون حاکمیت شاه چنین می‌کند پس این بد است و هر چه که او می‌کند ما باید خلافش را انجام دهیم. یعنی هیچ گروهی و هیچ حزبی به عنوان حزبی که رقیب حاکم است، و تصور می‌کند که روزی خودش سرکار خواهد آمد و مسئولیت اداره جامعه را بر عهده خواهد داشت، فکر نکرده بود. بنده خودم در جریان مبارزات بودم. نه در زندانها و نه در خارج از کشور و نه داخل کشور هیچ گروهی به این فکر نکرده بود که یک روزی مسئولیت اداره مملکت را به عهده خواهند داشت. و لازم است به مسایل اقتصادی و آزادی که به تدریج به دست بیاید و مردم با زحمت و پرهیز از افراط کاری و با احساس مسئولیت ملی و وطنی و حضور در صحنه، آن را به دست بیاورند طبعاً نگاهش هم خواهند بود. در اینجا ضروری است که در رابطه با توطئه‌های قدرتهای امپریالیستی علیه کشور و نوع برخورد با این توطئه‌ها توضیحی بدهم. یک طرح تحقیقاتی استراتژیک در شورای امنیت ملی آمریکا، با مسئولیت دکتر ایندایک، به عنوان محور سیاست و دیپلماسی ایالات متحده و در خاورمیانه و غرب آسیا، لاقط در دوران حکومت دمکراتها، انتخاب شده است. این طرح به سیاست مهار دوجانبه مشهور شده و بنای آن بر کنترل و تضعیف توان اقتصادی و نظامی و در صورت لزوم تجزیه کشورهای ایران و عراق، به عنوان دو عامل عدم امنیت و مانع صلح در خاورمیانه و آرامش در جهان می‌باشد. این استراتژی متوجه به از نقش انداختن توان رزمی و توسعه‌طلبی نظامی عراق و استبداد توسعه‌یابنده نظام - مذهبی ایران می‌باشد. در مورد عراق، این سیاست با حمله نظامی و انهدام تمام قدرت نظامی آن آغاز و سپس به محاصره اقتصادی و ضبط منابع و ذخائر نفتی، با قوه قهریه اعمال شد. و در مورد ایران محاصره اقتصادی، تهدیدات تجزیه‌طلبانه (جزایر سه‌گانه و...)، و جنگ روانی و تبلیغاتی، آغاز کار است؛ تا در چه زمانی اعمال نیروی قهریه نظامی و... مورد پیدا کند.

مقاله‌ای جنجالی به قلم ساموئل هانتگیتون، استاد علوم سیاسی و رئیس مؤسسه مطالعات استراتژیک دانشگاه هاروارد تحت عنوان «روبارویی تمدنها» طرح یک تخاصص و رویارویی و جنگ جدیدی بین تمدن غرب با تمدن اسلامی را ریخته و تجاوزات غرب با رهبری ایالات متحده را نسبت به اسلام و دنیای اسلام تئوریزه کرده بود. ولی از اول سال ۱۹۹۵ میلادی، نظریه «مهار دوجانبه» به عنوان نتیجه و مصداق عملی و فوری نظریه فوق، سیاست رسمی دولت آمریکا شده است. اگر در آن روز، نظریه فوق نسبت به امنیت و استقلال کشورهای

اسلامی مستقل، صدای خطری بود که از چند قدمی شنیده می‌شد، امروز آن خطر در جلوی رویمان قرار گرفته است.

سیاست مهار دوجانبه، تنها دولت و رژیم جمهوری اسلامی یا حاکمیت سیاسی - اقتصادی کنونی ایران را هدف قرار نداده، بلکه تمام موجودیت، منافع و مصالح درازمدت و حیات ملی این ملت و کشور کهنسال - ولی با جمعیت جوان - را که سهمی شایسته در کاروان تمدن بشری داشته است، مورد حمله و ضربه و در معرض تضعیف و تلاشی قرار می‌دهد. لذا جای آن دارد که نه فقط مورد توجه و نگرانی و تدبیر و مقابله برای جماعت حاکمان قرار گیرد، بلکه به لحاظ مسئولیت تاریخی، ملی و وطنی و انسانی و اسلامی، می‌بایست مورد اعتنا، تمرکز و آگاهی و بیداری همه مردم و تلاش و جنب و جوش ایشان و بویژه نیروهای روشنفکری، صلحاء، ملیون، سیاسیون و وطن‌پرست قدیم و جدید نیز قرار بگیرد. این تصور هرگز با حقیقت توافقی ندارد که تمام این سیاستها و مواضع، از جانب غرب به طور عموم و ایالات متحده به طور خاص به دلیل عدم رعایت ضوابط «آزادی و حقوق بشر» از سوی رژیم صرفاً متوجه دولت و رژیم جمهوری اسلامی است، و آنها را یا ملت ایران و حاکمیت ملی ایران و منافع و مصالح ایران کاری نیست و اگر دولتی با شمایلی غیر از روحانیون حاکم فعلی و با سیاستهایی باز و آزادمنشانه، جاننشین وضع موجود شود، از فشارهای فوق و سیاست مهار دوجانبه، آزاد و رها خواهد بود!

وقتی سخن از وحدت و انسجام ملی، به عنوان یک ضرورت تاریخی، مطرح می‌شود، بدهاها یک روند آشتی ملی تداعی می‌گردد. ولی در فضای اجتماعی و سیاسی کنونی و تفرق بین گروهها و طبقات اجتماعی، و بین آنها با حاکمیت، این مساله امری دور از اذهان مخاطبان و طنزآلود به نظر می‌رسد. حاکمانی که بر اریکه قدرت انحصاری تکیه زده‌اند، طبعاً بی‌اعتقاد به عبرت‌های تاریخی بر این پیشنهاد خواهند تاخوت و مدعی خواهند شد که لازم حفظ انقلاب اعمال قدرت و قاطعیت و تمرکز در سیاست داخلی و خارجی است. و نقادان و معارضان نیز این امر را ناشدنی تلقی کرده و خواهند گفت که تمام مسائل و گرفتاریهای کنونی ملت معلول عملکرد و بینش‌های حاکمیت است. در اینجا بحث و قضاوت بر سر این مواضع و دعاوی وجود ندارد، اما به نظر می‌رسد که لاقط در این شرایط حمله و خطیر تمام نیروهای اجتماعی کشور ما، من جمله حاکمیت با جناح‌های درونی آن، باید لحظه‌ای این حقیقت مسلم علمی و علنی را به یاد بیاورند که آنها، هر یک، با هر وسعت کمی و کیفی که دارند و یا هر درجه حقایقی که برای خود قائلند، به هر تقدیر جزئی از یک کل فراگیر و زیرمجموعه‌ای از یک مجموعه ماورایی ملی هستند که متمایز از تک تک آنها و در ورا آنها، این کل فراگیر خود هویتی تاریخی و وجودی زنده و پویا دارد و بنا به موازین علوم سیاستها، دارای وجودی مستمر و پایدارتر از همه آنهاست. وجودی که در تاریخ به نام ایران یا ملت ایران شناخته شده است. اگر ما به چنین وحدتی دست بیابیم، می‌توانیم امیدوار باشیم که طوفان‌هایی همچون نظم نوین یا مهار دوجانبه یا مجازات اقتصادی ایران نمی‌تواند بنیان هستی ملی‌ها را براندازد، بل موجب تقویت و تحکیم بیشتر آن نیز خواهد شد.

آقای دکتر حبیب‌الله پیمان: به نظر می‌رسد که مسایل جامعه ما چه به عنوان یک کشور توسعه نیافته جهان سوم و چه به خاطر سیاستهایی که بعد از انقلاب به طور خاص توسط حاکمیت اجرا شده، در مقایسه با دیگر کشورها دشوارتر و پیچیده‌ترند. لذا این سؤال که چه می‌شود کرد تا این مشکلات حل شوند، یک جواب ساده ندارد. همان طور که آقای مهندس سحابی گفتند با یک اقدام سریع نمی‌شود بر این مشکلات غلبه کرد. تردید نیست که مساله آزادی از این جهت اهمیت دارد که وقتی نباشد لاقط سه اشکال به وجود می‌آید یا اگر هستند تشدید می‌شوند. یکی این که حاکمیت به اجرای سیاستهای نادرست خود ادامه می‌دهد. در همان مسیر که تاکنون رفته، پیش می‌رود و فکر می‌کند جز این راه وجود ندارد و خطای خود را هم خودش باید از درون تشخیص دهد نه دیگران که از بیرون هم نگاه می‌کنند. بنابراین حرکت انحرافی‌اش تصحیح نمی‌شود. دوم این که وقتی آزادی بحث و افتخار نباشد اختلافها فقط با خشونت حل خواهد شد و هر نیرویی به ویژه حکومت سعی خواهد کرد نیروهای دیگری که دگراندیش‌اند و نظریاتی مخالف یا مغایر با سیاستهای جاری دارند حذف کند. سوم، توانایی‌های جامعه به طور حقیقی به کار گرفته نمی‌شوند، بخشی از توانایی‌ها که هم‌اکنون در اختیار حاکمیت‌اند بیشتر به بازی گرفته می‌شوند و «مصرف» می‌گردند. مشارکت واقعی وجود ندارد. جامعه عملاً از آن همه استعداد محروم مانده است. یعنی دولت هم از آراء و نظریات دیگران و بخصوص مخالفان مطلع نمی‌شود و هم از همکاری آنها محروم می‌ماند. اما مساله این است که چگونه می‌شود آزادی‌ها را به چنگ آورد. گره در همین جاست. یعنی در چگونه به دست آوردن آزادی. برای این منظور در حال حاضر سه امکان متصور است. روشن است که حاکمیت اگر به میل خودش باشد دوست ندارد به مردم این آزادی را بدهد.

ادامه دارد



برگردان: اردشیر حکیمی

## روابط اقتصادی شمال - جنوب

قسمت آخر

مواد خام و کالاهای ساخته شده

قیمت مواد خام و کالاهای ساخته شده، همواره یکی از بحث‌های مرکزی میان طرفداران لیبرالیسم و طرفداران تئوری وابستگی بوده است. مسئله این است که آیا قیمت‌گذاری یکسویه و به زیان کشورهای در حال رشد بوده است؟ تحقیقات در این زمینه نشان می‌دهد که در یک نگاه عمومی تناسب قیمت میان مواد خام و کالاهای ساخته شده اغلب (و نه همیشه) به سود دومی بوده است. لیکن در هر مورد مشخص و در هر دوره معین باید مسئله را جداگانه بررسی کرد.

نکته دیگر این است که کشورهای در حال رشد صادرکنندگان مواد خام و به شکلی یکسویه و کشورهای صنعتی صادرکنندگان کالاهای ساخته شده نیستند. سال ۱۹۷۵، کشورهای در حال رشد، صادرکنندگان ۳۳٪ از کالاهای ساخته شده در سطح جهان بوده‌اند (در این ارقام مواد حاصله از نفت محاسبه نشده). در طرف مقابل بسیاری از کشورهای صنعتی پیشرفته نظیر دانمارک، استرالیا و زلاندنو از ثروتمندترین کشورهای جهان و درست به دلیل صدور محصولات کشاورزی بوده‌اند. ایالات متحده آمریکا در دوره‌های طولانی بزرگترین صادرکننده مواد خام جهان بوده است.

اصالت ساختاریون مدعیند که قدرت‌های استعمارگر، صدور محصولات کشاورزی را به طریقی یکسویه ترجیح داده‌اند و این امر بخش‌ها به حساب کم شدن محصولات در بازار داخلی و بخش‌های سنگین اهالی، صورت گرفته است. شکی در این نیست که تشویق صدور محصولات کشاورزی از سیاست‌های جدی استعمارگران بوده. لیکن مسئله بر سر آن است که این سیاست، واقعاً چه تأثیری در مستعمرات برجای نهاده است؟

بار دیگر اظهار قطعی پیرامون مسئله دشوار است، زیرا که شرایط برای کشورهای مختلف، کاملاً متفاوت بوده است. مورد هند را اگر نمونه بگیریم در این زمینه می‌بینیم که از سیاست مورد بحث سود برده است. صدور محصولات کشاورزی، دینامیزم آشکاری در اقتصاد کشور بوجود آورد. با پولی که از صادرات به دست می‌آمد، هزینه واردات سایر کالاها پرداخت می‌شد. اما این هم واقعی بود که فروش کل سالانه محلی پاسخگوی نیازهای ابتدایی مردم هم نبود. با رشد بسیار سریع جمعیت چنین عدم تعادلی بیش از گذشته به چشم می‌خورد. سرانجام سیاست دولت تبدیل به این شد که محصولات کشاورزی باید برای خودکفایی باشد نه برای صادرات.

البتة باید به نمونه‌های منفی صدور محصولات کشاورزی در مناطقی نظیر مالی Mali و نیجر Niger اشاره کرد که حاصلی برای این کشورها نداشت و برعکس به زیان اقتصاد آنها بود.

مسئله وابستگی

اصالت ساختاری‌ها، موافقت بسیاری را با خویش دارند، زمانی که تأکید می‌کنند کشورهای در حال رشد به طرز چشمگیری وابسته به کشورهای صنعتی شده‌اند، و اینکه این وابستگی می‌تواند جنبه‌های منفی سیاسی و اقتصادی برای آنها در بر داشته باشد.

در حالیکه اکثر کشورهای فقیر وابسته به درآمد حاصل از صدور یک یا چند قلم کالا هستند، واردات این کالاها در مجموعه واردات کشورهای صنعتی، رقم بسیار کوچکی را تشکیل می‌دهد. اغلب چندین کشور در حال رشد در حال رقابت با یکدیگر برای صدور کالای مشابه‌اند و این امر تأثیرات منفی هم بر قیمت و هم موضع آنها در معاملات برجای می‌نهد.

بحران و رکود اقتصادی در کشورهای صنعتی، قطعاً بر کشورهای در حال رشد تأثیر می‌گذارد، اما دلیلی ندارد که بحران در کشورهای جهان سوم الزاماً در کشورهای پیشرفته مؤثر باشد.

سال ۱۹۸۲، کشورهای صنعتی پیشرفته ۲۷ درصد از صادراتشان به جهان سوم بود و فقط ۲۷٪ از کل وارداتشان از این کشورها صورت گرفت.

در حالیکه جهان سوم ۶۶٪ از صادراتش به کشورهای صنعتی رفت و ۶۱٪ از وارداتش از کشورهای در حال رشد جهان بود.

در حالیکه ۵۱٪ از تبادل کالا در بازار مشترک، میان کشورهای عضو صورت گرفت، همین بازار تنها ۲۷٪ از کل مبادلات با کشورهای فقیر بود.

تحوالات در سالهای اخیر در این سمت بوده و وابستگی

جنوب به شمال، نسبتاً محدودتر شده، اما هنوز هم عدم تعادل در این رابطه کاملاً مشهود است.

در برخی عرصه‌های معین، رابطه برعکس است. یعنی شمال برای برخی کالاهای استراتژیک نظیر نفت، کروم، مس، منیزیم، نیکل و فسفات کاملاً وابسته به کشورهای جنوب است. در این زمینه به ترتیب ژاپن و سپس اروپای غربی آسیب‌پذیرتر و وابسته‌تر از ایالات متحده هستند. بالا رفتن قیمت نفت در سالهای ۷۴ - ۱۹۷۳ انتظارات زیادی در میان سایر کشورهای صادرکننده مواد خام ایجاد کرد. اتحادیه‌های تولیدکنندگان در عرصه‌های مس، بوکسیت، سنگ آهن، موز و قهوه شکل گرفت. کشورهای در حال رشد برای برقراری نظم نوین اقتصادی در جهان حرکتی را آغاز کردند. لیکن به زودی معلوم شد که هیچ اتحادیه‌ای نسبی نتواند نمونه OPEC را تکرار کند. سایر اتحادیه‌ها نتوانستند افزایش در قیمت ایجاد کنند، بویژه در شرایطی که رکود اقتصادی در غرب به شکل جدی رخ نمود. عدم تفاهم در میان کشورهای تولیدکننده هم عامل دیگر شکست بود. مثلاً در زمینه بوکسیت bauxite، کشورهای جامائیکا، موریتانی و گویان صادرات را کم کردند تا قیمت را بالا ببرند، اما از آن سو استرالیا و گینه صادراتشان را افزایش دادند. تقاضا برای برخی محصولات در بازار جهانی مثل مس هم پایین تر آمد.

در سالهای دهه ۸۰ وابستگی کشورهای در حال رشد در ۲ زمینه رشد وحشتناکی داشته: قرض خارجی و مواد غذایی (بیش از همه غلات).

از کشورهای عضو اوپک که بگذریم، کشورهای جهان سوم در سال ۱۹۸۴، وام‌هایشان به ۶۰۰ میلیارد دلار رسید. اوضاع در آمریکای لاتین بویژه آرژانتین، برزیل، شیلی و مکزیک خطرناک‌تر است. چنین وضعی نتیجه عوامل متعدد از جمله تورم عمومی، قیمت بالای نفت، پایین آمدن قیمت سایر مواد خام، بالا بودن نرخ بهره در ایالات متحده و صعود ارزش دلار، بوده است.

اگر در آمریکای لاتین مسئله وام خارجی اساسی است، در آفریقا مسئله اصلی، مواد غذایی است. واردات غلات آفریقا از ۷/۲ میلیون تن در سال ۱۹۶۰ به ۸ میلیون تن در ۱۹۸۰ افزایش یافته. حتی این افزایش چشمگیر باعث نشده که ۶۰٪ مردم آفریقا زیر حد نمرال کالری برای یک انسان - براساس محاسبات سازمان ملل - دریافت کنند. خشکسالی در سالهای اخیر از دلایل این امر بوده به اضافه آنکه دولت‌های منطقه سیاستی را پیش برده‌اند که به سود شهرها و مصرف در مقایسه با روستاها و تشویق به تولید بوده است. این در حالی است که هنوز ۶۰ درصد سکنه آفریقا در بخش کشاورزی مشغول به کارند.

چرا فقر؟

بحث پیرامون رشد و عقب‌ماندگی تنها به رابطه شمال-جنوب بر نمی‌گردد. سلسله‌ای از مسایل دیگر بر شرایط جنوب، تأثیر می‌نهند. اولاً باید پرسید که چه چیزی باید در آینده حاصل شود و کدام وضعیت طبیعی است، رشد و پیشرفت یا فقر؟ در یک چشم‌انداز دراز مدت تاریخی، رشد شتابان استثنای بوده و در مقابل فقر و فقدان رشد وضعیت عادی. برای آنکه نیاز کشورهای در حال رشد فهمیده شود، باید به این واقعیت مهم توجه کرد.

نکته دوم آنکه دشواریهای راه افتادن یک پروسه رشد اقتصادی امروزه دشوارتر از گذشته است، اگر چه همیشه (دستکم به لحاظ روانی) کنده شدن از شرایط معین و ثابت و آغاز روندی تازه، وظیفه‌های دشوار بوده. فشار افزایش جمعیت جدی است. تعداد مرگ و میر کم شده، در عین آنکه زاد و ولد افزایش یافته. تعداد کشورهای صنعتی بسیار زیاد شده، ارتباط کشورهای مختلف با یکدیگر تنگ‌تر از گذشت است. بلیت ورودی به صنایع کشورهای پیشرفته در اشکال تکنولوژی در سطوح بالا و سرمایه‌گذاری بسیار گران است. نتایج صنعتی شدن هم کمتر از گذشته است. برای تولید یک میلیون تن فولاد در برزیل امروزه به ۸ هزار کارگر نیاز است، در حالیکه تولید همین مقدار فولاد در انگلیس در بوجوه صنعتی شدن ۳۷۰ هزار شغل ایجاد می‌کرد.

اما فقط نباید از جهات منفی سخن گفت، نقطه‌های روشن هم وجود دارند. امروزه دستیابی به تکنولوژی‌های پیشرفته، بسیار ساده‌تر از گذشته است. دانش اقتصادی پیرامون ایجاد و کنترل رشد و ترقی بسیار همه‌جانبه‌تر از قبل است. کشورهای جهان سوم همچنین می‌توانند روی کمک از کشورهای پیشرفته حساب کنند.

تعادل میان نقاط منفی و مثبت می‌تواند در بخش‌های

مختلف اقتصادی و میان کشورهای گوناگون، متفاوت باشد. ثالثاً مهم است که بر تعدد، تنوع و چندگانگی در جهان سوم (بویژه در شرایط داخلی‌شان) تأکید شود. اقتصاددان لیبرال آمریکایی «جان کانت گالبریث» برای توضیح موانع رشد اقتصادی، ۳ مدل اساسی را در کتابش «فقر زمین» از یکدیگر تفکیک کرده است.

نخستین مدل مربوط به «کشورهای آفریقایی جنوب صحرا» است. در این مناطق بیشترین موانع رشد را می‌توان یافت. گالبریث بزرگترین مشکل را فقدان زیربنای «فرهنگی» می‌داند. در سال ۱۹۵۸ تنها حدود ۱۰ هزار نفر از اهالی منطقه تحصیل دانشگاهی داشتند که تازه نیمی از آنها فقط در «غنا» و «نیجریه» بودند. بدترین وضع در زیر قابل مشاهده بود که فقط ۱۶ آفریقایی قبل از استقلال (در ۱۹۶۰) دارای مدرک آموزش عالی بودند. علیرغم آنکه دولت‌ها پس از استقلال اهمیت جدی‌تری برای آموزش قائل شدند، اما کمبود در این زمینه همچنان چشمگیر است. تصور هر گونه رشد اقتصادی بدون آموزش - که شامل تحصیلات دانشگاهی تا سایر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌شود - غیر ممکن است.

دسته دیگری از مشکلات هم وجود دارد که کمابیش ویژه این بخش از آفریقا است. زمین در این مناطق برای کشاورزی مناسب نیست. بیابانها و جنگلها حمل و نقل را دشوار می‌سازد، بیسوادی عمیق ریشه‌دار است، درگیریهایی منطقه‌ای و قبیله‌ای تأثیر جدی بر روابط اقتصادی می‌گذرانند. نقطه مشترک بسیاری از این کشورها، حکومت‌های بسیار ضعیف، رشوه‌خوار و نالایق است که به نوبه خویش تأثیر مهمی در کند کردن رشد اقتصادی دارد.

دومین مدل، کشورهای جنوب آسیاست که برخی دیگر از کشورهای مثل مصر و اندونزی را هم می‌توان در آن رده‌بندی کرد. مانع اصلی در این دسته از کشورها ازدیاد جمعیت و کمبود سرمایه است. رشد جمعیت چنان زیاد است که تمامی رشد حاصله در هر دوره را یکبار مصرف می‌کند. کمبود سرمایه نیز سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و بخش‌های «مدرن»‌تر را دشوار می‌کند. تفاوت میان دسته اخیر با کشورهای آفریقایی چشمگیر است. در کشور نظیر هند، سیستم آموزشی وجود دارد که هم در سطوح ابتدایی و متوسطه و هم در سطح دانشگاهی، بسیار خوب عمل می‌کند. هند آنقدر جمعیت آموزش عالی دیده دارد که می‌تواند حتی بخشی از آن را از جمله به بریتانیا و ایالات متحده صادر کند.

سایر مشکلات کشورها در این گروه بندی از جمله ساختار نامتعادل اجتماعی، روابط مالکیت بویژه در بخش کشاورزی، عدم کارایی بخش اداری و سرانجام رشوه‌خواری گسترده است.

سومین مدل مربوط به کشورهای آمریکای لاتین است، که با برخی از کشورهای خاومیان نیز همخوانی دارد. در این دسته هم سطح تحصیلات بالاست و هم سرمایه به قدر کافی وجود دارد. اما مشکل از دیاد جمعیت در این گروه هم موجود است. لیکن این مسئله باعث نشده که رشد چشمگیر در درآمد ناخالص ملی حاصل نشود. برزیل و مکزیک از جمله این مثالها هستند که پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در دهه ۶۰ و ۷۰ داشته‌اند.

اما رشد اقتصادی تنها در میان بخشی از «اصالت ساختاری»‌ها، معیار قابل قبولی است. بسیاری از آنها اساساً معتقدند که هر گونه رشد و پیشرفتی در چهارچوب جامعه سرمایه‌داری غیرممکن است. رشد و پیشرفت، به گمان آنها تنها برای آن کشورهایی معنا می‌دهد که توانسته‌اند به خودکفایی اقتصادی دست یابند.

نکته دیگر در مکتب «اصالت ساختار» توزیع درآمدهای ناشی از رشد در هر کشور معین است. آن رشد اقتصادی که اکثریت جمعیت کشور از آن بی‌نصیب بمانند، در واقع فقط جنبه منفی دارد. در این انتقاد یک هسته بسیار جدی هم وجود دارد. زیرا رشد اقتصادی وقتی اکثریت اهالی از آن بهره‌ای نمی‌گیرند، به سرعت متوقف می‌شود، قسماً به این دلیل که قدرت خرید تنها به یک «اقلیت بزرگ» محدود می‌شود، تقاضا در جامعه گسترش نمی‌یابد و بازار تحرک نمی‌یابد.

در کمتر منطقه‌ای مثل آمریکای لاتین، عدم تعادل در ساختار اجتماعی را می‌توان به وضوح مشاهده کرد. تقسیم زمین، یک نمونه است. دهقانان کم زمین به زحمت می‌توانند تصور کنند که قادر به ازدیاد تولیدشان باشند، حتی اگر موفق به چنین کاری هم بشوند، سود حاصل از کار آنها اغلب نصیب دیگران خواهد شد. در شهرهای به شدت در حال گسترش نیز، صنعتی شدن تا حدود زیادی پیشرفته است، لیکن اضافه تولید در یک روند پیچیده همکاری و درگیری میان ۳ گروه

اصولی تقسیم می‌شود: شرکت‌های فراملیتی، دولت و بزرگ‌بندگان اقتصاد محلی. جامعه در عین حال باید ۳ قشر برتر دیگر را هم خوب تغذیه کند، یعنی: نظامیان، روحانیون مسیحی و سیاستمداران. از آنجایی که اضافه تولید به زحمت کفاف این گروه‌ها را می‌دهد و چیزی برای مردم عادی نمی‌ماند، لذا اسکناس بی‌پشتوانه چاپ می‌کنند. نتیجه این می‌شود که بالاترین رقم تورم را در این منطقه جهان می‌توان یافت. همین تورم به نوبه خویش مانع رشد اقتصادی است.

بنابراین آمریکای لاتین در توزیع بسیار ناعادلانه درآمد و بهره‌وری یک اقلیت کوچک در جامعه، نمونه‌وار است. چنین وضعی در آفریقا هم مشاهده می‌شود. درآمدها در کنیا و ساحل عاج هم به همین ترتیب نامتوازن تقسیم می‌شوند.

لیکن کشورهای دیگری با نظام سرمایه‌داری در جهان سوم یافت می‌شوند که تعادل در تقسیم درآمدها به شکل قابل قبولی مراعات می‌شود، به عنوان نمونه کبره جنوبی و تایوان. حتی می‌توان گفت که برابری نسبی درآمدها از چین هم بهتر مورد نظر قرار گرفته است.

صنعتی شدن در کشورهای پیشرفته نیز به اشکال گوناگونی پیش رفته است. در هیچیک از آنها هم مدلی که آغاز شده، الزاماً تا به امروز ادامه نیافته است. اقتصاددانان ۵ مدل اصلی را در کشورهای پیشرفته تفکیک می‌کنند: مدل انگلیس، مدل آلمان، مدل فرانسه، مدل ژاپن و بالاخره مدل شوروی. عین همین مسئله در مورد کشورهای در حال رشد هم صادق است. یعنی راههای گوناگون و متنوع با توجه به شرایط هر منطقه به رشد منجر می‌شود، دقیقاً همانگونه که راههایی هم جامعه را به فقر می‌کشاند.

تجربه نشان می‌دهد که امروزه برای پیشبرد روند صنعتی شدن، دولت نقش بسیار با اهمیت‌تری را نسبت به گذشته پیدا کرده است. در کشورهای در حال رشد برای انجام وظایف دشواری که برای پیشرفت ضروری است، احتیاج به دولتی قدرتمند است تا چهارچوب‌های آموزش و پرورش تربیت کادر و ارتباطات را سازمان دهند، جهت‌گیری سرمایه‌ها را برنامه‌ریزی کند، جلوی رشد نامعقول جمعیت را بگیرد، سرمایه‌گذاری خارج را تشویق و سپس کنترل کند و اصلاحات اقتصادی و اجتماعی دیگر را به انجام رساند.

چرا کشورهای آسیای جنوب شرقی توانسته‌اند به رشدی سریع‌تر از تمامی دیگر کشورهای جهان سوم دست یابند؟ چرا برزیل توانسته وضع بهتری نسبت به آرژانتین و شیلی داشته باشد؟ چه تعادل «واقعی» باید میان بخش کشاورزی و صنعت برای یک اقتصاد در حال رشد برقرار شود؟ و زمانی که مسئله به آحاد یک کشور برمی‌گردد، چگونه است که بعضیها خود را با شرایط نوین جامعه در حال رشد تطبیق می‌دهند و عده‌ای دیگر می‌خواهند در همان الگوی سنتی قدیم بمانند؟

زمانی که بحث بر سر رشد و عقب‌ماندگی و روابط شمال - جنوب است، هر تشریح کلی و عمومی قطعاً باید با توضیح شرایط مشخص هر منطقه تکمیل شود. چنین تکمله‌ای، آن تعمیم نخستین را تعدیل و اصلاح می‌کند. شرایط کشورهای جهان سوم بسیار متنوع است و برخی حوادث که در آنها رخ می‌دهد حتی در اوضاع بین‌المللی هم تأثیر می‌گذارد.

امروز بیش از هر زمان دیگری باید از اساسی بودن روابط و مسایل در داخل هر کشور سخن گفت، زیرا در جهان امروزی موقعیت ابرقدرت‌ها هم به لحاظ اقتصادی و هم سیاسی بسیار تضعیف شده و لذا شرایط داخلی از تعیین کنندگی بیشتری برخوردار شده‌اند.

برای مطالعه بیشتر در این زمینه رجوع کنید به:

1. Imperialism, Intervention and Development, Andrew Mack, David Plant (London 1979)
2. The Evolution of the International Economic Order, W.Arthur Lewis (Princeton 1979)
3. Economics of Development, Malcom Gillis, Dwight H. Perkins (NewYork 1983)
4. The Pattern of Imperialism. The United States, Great Britain and Late-Industrializing World Since 1815, Tony Smith (Cambridge 1981)

سرمایه‌گذاریهای خارجی بنیاد تا سال گذشته نزدیک به ۱/۴ میلیارد کرون سوئد بوده‌است. سرمایه‌گذاریهای خارجی بنیاد ۶۲ درصد از کل سرمایه بنیاد را تشکیل می‌دهد. از سال ۱۹۵۲ به بعد، تغییراتی در اداره دارائی‌های بنیاد بوجود آمد که هدف از آنها بهبود امور بنیاد بوده است. در نتیجه این تغییرات مبلغ جایزه صلح که در سال ۱۹۶۸ دو میلیون کرون سوئد بود، افزایش یافت. مبلغ جایزه صلح نوبل، امسال ۶/۳ میلیون کرون خواهد بود. این مبلغ اضافی از کجا به دست آمده است؟ این مسئولیت ویژه کمیته صلح نوبل تروست است تا که به رهبری بنیاد صلح نوبل در سوئد فشار آورد به سرمایه‌گذاری بنیاد در صنایع نظامی خاتمه دهد. چنانچه چنین نشود، جایزه صلح غیراخلاقی و فریب‌کارانه خواهد شد

الساوادور و کلمبیا نرسد و ۲۷/۵ تن آب سنگین تولیدی نروژ از طریق آلمان و رومانی، به هند قاچاق نشود و راکت، مواد منفجره، توپ و دستگاههای شلیک گاز اشک‌آور نروژی به سوی ترکیه روان نشوند.

برندگان جایزه صلح، جایزه‌ای را دریافت می‌کنند که نه تنها هزینه آن بخشا از طریق سود ناشی از فروش سلاح بدست آمده، بلکه ممکن است از طریق سود فروش سلاح در آن نوع درگیریهایی به دست آمده باشد که برندگان جایزه صلح برای حل آنها مبارزه کرده‌اند. ممکن است در اثر فقدان خط منسی برای سرمایه‌گذاری رسوائی‌های مالی بزرگتری در رابطه با سرمایه‌گذاری‌هایی که در خارج صورت گرفته رخ داده باشند که بنهان نگهداشته شده‌اند. میزان

Incentive-Haglund نیز به پاکستان سلاح فروخته است و در حال حاضر این شرکت برای فروش خودروهایی نظامی مشغول مذاکره با کلمبیا است. این ۲۵ تا ۴۰ درصد از درآمدهای این دو شرکت در سال گذشته از طریق فروش تجهیزات نظامی بوده است.

چنین سرمایه‌گذاریهایی از طرف بنیاد امری عادی و رایج نیست بلکه موضوع تازه‌ای است. در زمانی که قاچاق وسائل نظامی و صدور دوباره سلاح (منظور فروش دست به دست سلاح است) توسعه می‌یابد، لاجهای ساخت سوئد و نروژ می‌توانند از این طریق در هر نقطه‌ای از عالم که طالب داشته باشد عرضه شود.

در رابطه با صدور سلاح نروژ هم پاک و منزه نیست. قوانین و مقررات باعث نگردد که راکتهای 72 M نروژ از طریق آمریکا به

## سرمایه‌های کلان بنیاد...

بقیه از صفحه ۱۲

## سوریه: سال ۹۶ صلح با اسرائیل اسرائیل است

گفتگوهای صلح سوریه و اسرائیل که شش ماه پیش بدلیل اختلاف بر سر ارتفاعات جولان قطع شده بود، اوایل دسامبر در آمریکا از سر گرفته شد. نقطه مرکزی این مذاکرات بلندپایه‌های جولان است که در سال ۱۹۶۷ توسط اسرائیل اشغال شده است. سوریه عقب نشینی کامل اسرائیل را از این مناطق را در خواست می‌کند و در عوض قبول می‌دهد که روابط کامل اقتصادی و سیاسی با اسرائیل برقرار کند.

در دومین دور مذاکرات سری جدید، هنوز بسیاری از مشکلات پایهای بدون راه حل مانده است. روزنامه «تشرین» سوریه، یک روز قبل از دور دوم مذاکرات،

نوشت سال ۹۶ سال صلح بین دو کشور می‌باشد. به نوشته این روزنامه برای صلح بین لبنان و سوریه، اسرائیل باید تلاش بیشتری کند. مانع اصلی در این راه، بسنیادگران اسرائیلی هستند. اسرائیل باید بطور کامل از جولان عقب‌نشینی کند، این مسئله، زمینه توافقات صلح در منطقه می‌باشد.

اسرائیل آمادگی خود را برای عقب‌نشینی کامل از جولان اعلام کرده و اظهار علاقه کرده بعد از آن، همکاریهای اقتصادی با سوریه در زمینه تورسیم، صنعت حمل و نقل و تولید شراب داشته باشد که با موافقت ضمنی سوریه روبرو شده است.

در ادامه تلاشهای صلح، وزیر امور خارجه آمریکا هفته دوم ژانویه مسافرتی به مناطق خاورمیانه خواهد داشت. انتظار می‌رود قرارداد صلح اسرائیل و سوریه تا اواخر اکتبر بسته شود.

در چارچوب فعالیت‌هایی که برای صلح صورت می‌گیرد، قرار است ملک حسین دوم نیز ژانویه از اسرائیل دیدار کند و ملاقاتی با وزیر امور خارجه آمریکا داشته باشد. مصر و اردن اظهار امیدواری کردند که صلح اسرائیل و سوریه طی یکسال آینده به نتیجه برسد.

وزیر امور خارجه آمریکا از سوریه خواست از حملات موشکی حزب الله به شمال اسرائیل جلوگیری

کند و ضمن این درخواست، تصریح کرده است که حمله موشکی حزب الله به اسرائیل «در بدترین وقت ممکن» صورت گرفته است. فاروق الشرع وزیر امور خارجه سوریه گفته است که کشور وی مخالف اقدامات نظامی در مرز اسرائیل و لبنان می‌باشد. اسرائیل اعلام کرد که خود را موظف به سکوت در مقابل حمله حزب الله در جنوب لبنان نمی‌داند.

دولت اسرائیل خواستار کمک مالی ۱۳ میلیارد دلاری از آمریکا در مقابل عقب‌نشینی از بلندیهای جولان شده است که ۶ میلیارد دلار آن جهت خرید تجهیزات پیشرفته جنگی برای «تأمین امنیت» این کشور می‌باشد.

## حزب رفاه اسلامی

### برنده انتخابات ترکیه شد

زمینه‌ساز تبلیغ حزب رفاه برای استقلال و خودکفایی ملی شد. اربکان رهبر حزب رفاه اسلامی می‌گوید هم‌اکنون نه تنها ترکیه به دنیا با چشم دیگری می‌نگرد بلکه دنیا به ما با چشم دیگری نگاه می‌کند. جبهه اسلامی الجزایر در نامه‌ای به حزب رفاه اسلامی اظهار امیدواری کرده که از هم‌اکنون ترکیه نماینده واقعی جامعه مسلمان در دنیای غرب باشد.

جمهوری اسلامی نیز از پیروزی حزب رفاه استقبال کرد. اربکان رهبر ۶۹ ساله حزب رفاه که در غرب تحصیل کرده است، اتحادیه اروپا را کلپ مسیحی‌ها می‌داند و می‌گوید ما آذربایجان، بوسنی، چین و اورشلیم را آزاد خواهیم کرد و وعده می‌دهد که «اسلام حقیقی» را پیاده کند. او اعلام کرد که با هر حزبی آماده ائتلاف است. برخی ناظران عقیده دارند که کنار گذاردن حزب رفاه برای این حزب مزیت‌هایی در بر دارد و این حزب به عنوان اپوزیسیون که نقشی در قدرت ندارد، می‌تواند در آینده آرای بیشتری کسب کند. روزنامه دیلی نیوز ترکیه می‌نویسد: امتناع از هر گونه ائتلاف با رفاه، ناآرامی‌های بیشتری را در آینده در پی خواهد داشت.

حزب رفاه بعد از انتخابات اعلام کرد که اتحاد گمرکی با اروپا را در صورت بدست گرفتن قدرت مورد بازبینی قرار خواهد داد که این نقطه منفی علیه علائق ترکیه در بر دارد. او در انتخابات، اتحاد گمرکی با اروپا را به طور کلی رد کرده بود. او اعلام کرد در صورتی که حزب مام میهن ائتلاف با حزب رفاه را مورد بررسی قرار ندهد در درون حزب خود با انشعاب روبرو خواهد شد.

چیر نخست‌وزیر ترکیه گفت که حزب راه راست وابسته به وی آماده است مذاکرات با حزب مام میهن را برای تشکیل یک ائتلاف آغاز کند.

انتخابات پارلمان ترکیه در ۲۴ دسامبر برگزار شد. در این انتخابات حزب بنیادگرای رفاه اسلامی با ۲۱/۳ درصد، قویترین حزب ترکیه شد. حزب راستگرای مام میهن به رهبری مسعود ایلماز با ۱۹/۶ درصد و حزب راه راست خانم چیلر با ۱۹/۱ درصد و حزب چپ دمکراتیک به رهبری بلند اجسویت با ۱۴/۶ درصد و حزب جمهوریخواه خلق با ۱۰/۷ درصد به پارلمان راه یافتند. بقیه احزاب شرکت‌کننده نتوانستند از مانع ۱۰ درصدی بگذرند.

۲۲ سال بعد از استقرار حکومت لائیک در ترکیه این اولین باری است که یک حزب اسلامی بیشترین رای را در انتخابات پارلمانی بدست آورده است. خانم چیلر بعد از اعلام نتایج انتخابات استعفا کرد. سلیمان دمیرل رئیس جمهور ترکیه از وی خواست تا تشکیل دولت جدید به کار خود ادامه دهد. به این سؤال که کدامیک از ائتلافها دولت آینده را تشکیل خواهد داد هنوز جوابی داده نشده است. حزب «راه راست» و حزب «مام میهن» بر سر اینکه کدامیک مسئولیت تشکیل کابینه را برعهده بگیرند، اختلاف دارند. حزب خانم چیلر هرگونه ائتلافی را با حزب اسلامی رفاه رد می‌کند. حزب «مام میهن» ائتلاف با حزب اسلامی را به تغییر رهبری و فلسفه این حزب منوط دانسته است.

در آستانه انتخابات، پارلمان اروپا با چشم‌پوشی بر نقض حقوق بشر در ترکیه، ورود این کشور به بازار مشترک را از سر راه برداشت. آمریکا فروش موشکهای بالستیک را که مدتها به تعویق افتاده بود، به تصویب رساند. ولی با تمام امتیازاتی که غرب به ترکیه داد ۱۵۷ درصد تورم در دوران ۲/۵ ساله نخست‌وزیری چیلر، ۴۰ درصد پایین آمدن قدرت خرید مردم و ادامه جنگ با کردها

## جنگ در افغانستان، همچنان پیداد می‌کند



این کودک نیز مانند بسیاری از کودکان دیگر در یک حمله هوایی به کابل مجروح شده است.

حملات راکت و توپخانه به شهر کابل، از اواخر نوامبر ابعاد وسیعتری گرفته است. تنها در روز ۱۷ دسامبر، شلیک ۱۱ فروند راکت و توپهای دوربرد از طرف گروه طالبان به مناطق مسکونی این شهر، دهها کشته بر جای گذاشت.

رئیس رئیس جمهور افغانستان، پاکستان را متهم کرده که به گروه طالبان از نظر اقتصادی و نظامی کمک می‌کند و از این کشور خواست که به مداخله خود در امور این کشور پایان دهد. دولت ربانی خواستار تشکیل جلسه اضطراری شورای امنیت سازمان ملل برای بررسی دخالت‌های پاکستان در امور داخلی آن کشور شد. ربانی آمادگی خود را برای کناره‌گیری از قدرت و مذاکره با تمام طرفهای درگیر، از جمله طالبان، اعلام کرد و افزود که برای مذاکره با طرفهای درگیر، هیئتهای منتخب به جلال‌آباد، مزارشریف، بامیان، قندهار و سایر نقاط اعزام شده‌اند. شورای هماهنگی، متشکل از حزب اسلامی «گسلیند»

که جنگ برای تصرف کابل و سرنگونی دولت را ادامه خواهد داد. شهر یک میلیونی کابل، که در جنگ مجاهدین با ارتش شوروی سالم مانده بود، از سال ۹۲ صحنه درگیریهای گردهای مختلف مجاهدین شده است. ۸۰ تا ۹۰ درصد شهر ویران شده است. اکثر جمعیت از نقاط درگیری جنوب و جنوب غربی، به شمال کابل پناذ برده‌اند. برق و سوخت برای اکثر ساکنان قابل‌تأمین نیست. تمامی کارخانجات و کارگاه‌ها از کار افتاده‌اند.

طبق نظر صلیب سرخ جهانی، ۸۰ درصد جمعیت، قادر به تأمین نیازهای روزانه خود نیستند. قیمت نان به ۴۰۰ افغانی (واحد پول) رسیده است. گلوله باران‌های اخیر شهر، بیمارستانها را که قبلا هم قادر به معالجه مجروحین نبوده‌اند، با مشکلات جدید مواجه کرده است. و این در حالی است که هنوز دورنمای هیچگونه مصالحه‌ای بین طرفهای درگیر بوجود نیامده است.

مذاکرات به منظور حل اختلافات اعلام کرده‌اند. گروه طالبان مذاکره با دولت افغانستان را رد کرد و اعلام کرد حکمتیار، جنبش ملی اسلامی «رشد و دوام» حزب وحدت اسلامی و جبهه نجات ملی، آمادگی خود را برای

## تظاهرات، صد هزار نفره زنان در بنگلادش



بیش از صد هزار زن در داکا پایتخت بنگلادش، روز دوم ژانویه تظاهراتی در اعتراض به مقامات روحانی پاکستان، که مانع آموزش و اشتغال زنان می‌باشند، برگزار کردند. آن‌ها در این تظاهرات، خواستار امکان آموزش و اشتغال و برابر حقوقی با مردان شدند.

## پیروزی چشمگیر حزب کمونیست روسیه در انتخابات پارلمان

حزب کمونیست روسیه در انتخابات پارلمان پیروزی چشمگیری را تجربه کرد. این حزب که در سال ۱۹۹۱ منحل شده بود، در انتخابات اخیر با ۲۵ درصد آرا، بیشترین رای را در میان احزاب روسیه کسب کرد. این نتیجه، نشان‌دهنده تغییر نگرش مردم روسیه نسبت به کمونیسم است.

این حزب که در سال ۱۹۹۱ منحل شده بود، در انتخابات اخیر با ۲۵ درصد آرا، بیشترین رای را در میان احزاب روسیه کسب کرد. این نتیجه، نشان‌دهنده تغییر نگرش مردم روسیه نسبت به کمونیسم است.

این حزب که در سال ۱۹۹۱ منحل شده بود، در انتخابات اخیر با ۲۵ درصد آرا، بیشترین رای را در میان احزاب روسیه کسب کرد. این نتیجه، نشان‌دهنده تغییر نگرش مردم روسیه نسبت به کمونیسم است.

حزب کمونیست روسیه برنده انتخابات مجلس این کشور که روز ۱۷ دسامبر در این سرزمین پهناور برگزار گردید، شد.

در این انتخابات تنها چهار حزب کمونیست، خانه ما روسیه، یابلوکو (سیب) و حزب لیبرال - دموکرات ژیرینوفسکی از میان بیشمار احزاب روسیه توانستند از ۵ درصدی بگذرند و به دوما دولتی راه یابند. سوازی این چهار حزب نمایندگان از ۱۸ حزب دیگر نیز به طور مستقیم به دوما راه پیدا کردند.

بر اساس نتایج نهائی انتخابات، حزب کمونیست با کسب مجموع ۱۵۷ نماینده از دو طریق حزبی و مستقیم، راهی دوما شدند. این رقم برابر با حدود ۲۵٪ از مجموع ۴۵۰ کرسی نمایندگی در پارلمان روسیه می‌باشد. تعداد مجموع نمایندگان حزب دوما بالغ بر ۱۹۵ تن و بیش از ۲۳٪ است.

## سرمایه گذاری‌های کلان بنیاد صلح نوبل در کنسرن‌های نظامی

سرمایه گذاری کرده به شرکت جنبی خود سه میلیارد کرون تانک و خودروهای زرهی فروخته است. شرکت دیگری که بنیاد نوبل در سال

سرمایه گذاری کرده به شرکت جنبی خود سه میلیارد کرون تانک و خودروهای زرهی فروخته است. شرکت دیگری که بنیاد نوبل در سال

خلاصه نظرات یکی از کارشناسان سازمان نیروی مقاومت مردم در مقابل جنگ بنام بیورناربرگ BiurnarBerg است: صنایع نظامی سوئد از سرمایه بنیاد نوبل استفاده سرشار می‌برند. در سال ۱۹۹۴ این بنیاد میلیون‌ها کرون در این صنایع سرمایه گذاری کرده است. یکی از شرکت‌هایی که بنیاد نوبل در آن

هم زمان با نزدیک شدن زمان اعلام برنده جایزه صلح نوبل سال، فاش گردید که مبلغ قابل توجهی از سرمایه‌های این بنیاد در کنسرن‌ها و شرکت‌هایی سرمایه گذاری شده‌اند که به تولید و فروش وسایل نظامی اشتغال دارند. افشای این موضوع بحث‌هایی را برانگیخت، مقاله‌ای را که در زیر ملاحظه می‌کنید

مانند سیستم‌های الکترونیکی برای راکت، رادارهای نظامی و سیستم‌های الکترونیکی ارتباطاتی نظامی است. درآمد این کنسرن از طریق فروش وسائل نظامی در سال ۱۹۹۴ بالغ بر دو میلیارد کرون بوده است بخش تولید نظامی این شرکت دو هزار نفر پرسنل دارد. مدیر اداره انستیتوی نوبل در صد بقیه در صفحه ۱۱

مانند سیستم‌های الکترونیکی برای راکت، رادارهای نظامی و سیستم‌های الکترونیکی ارتباطاتی نظامی است. درآمد این کنسرن از طریق فروش وسائل نظامی در سال ۱۹۹۴ بالغ بر دو میلیارد کرون بوده است بخش تولید نظامی این شرکت دو هزار نفر پرسنل دارد. مدیر اداره انستیتوی نوبل در صد بقیه در صفحه ۱۱